

# استقامت

فَلَا تَعْزَلْنَا كَلِمَةَ سَطِّ الْبَيْتِ سَطًّا وَلَا عَلَى الْأَمْرِ إِلْفًا وَلَا تَوَلُّوهُ بِالْعَدْلِ وَلَا تَنْسَوْنَ الْوَعْدَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُقْبِلِينَ

## سرمقاله

# لیبرالیسم جاده صاف کن امپریالیسم

## تا استعمار هست آزادی نخواهد بود

تسرف‌الانسیه باساده‌ها - هر چیزی را از مطالعه شدنی می‌شود شناخت - یکی از راههای «شناخت ماهیت و جهت حرکت انقلاب اسلامی ایران» شناسایی دشمنان آن است.

دشمن ما قدرتهای استعماری هستند، برای اینکه انقلاب ایران، منافع عظیم اقتصادی و سیاسی و نظامی‌شان را بسط دهد. قدرتهای استعماری و در رأس آنها آمریکا خصم کینه‌توز همه جنبش‌های آزادیبخش - با تمام قوا و امکانات علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند. در حوادث خرمشهر همانند حوادث مشابه آن بطور قطع باید اثر سیاسی امپریالیسم را دریابی کرد. هدف ضد انقلاب تجزیه نیروها، تضعیف قدرت انقلاب و ایجاد درگیری و جنگ‌های خانگی است تا بداند وسیله عوامل خود را در صحنه عمل فعال کند و در موقعیت مناسب ضربه‌های مهلک بر انقلاب وارد آورد.

# قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ (۲)

معرزی شده و مفاهیم انقلابی به آن اجرا درآمده، توانسته زهانش خلقهای محروم و تحت ستم باشد. مبارزینی که بی مفاهیم عمیق قرآن برده اند، همواره پیشیناز مبارزات ضد استبداد، ضد استعمار و ضد استثمار بوده‌اند. با این توضیح، معلوم می‌گردد که چرا همیشه دشمنان خلق، اسلام و پایگاههای اصلی اسلام را مورد حمله قرار می‌دهند.

## ایسوروش برای دستگیری روحانیون مبارز

تیب ۱۲ محرم (۱۵ خرداد ۴۲) حملهٔ دهنشمانهٔ مزدوران رژیم پهلوی، به‌سنگ روحانیت مرفقی، آغاز و زندانهای شهربانی از صدها روحانی مجاهد پر میشود. درخیمان، از ترس انتقام خلق و برخورد قهرآمیزشان، نیمه‌شب ۱۵ خرداد ۴۲، با حمایت صدها کسانند و سرباز گارد و کامیونهای نظامی با تجهیزات کامل، امام خمینی را دستگیر و به تهران منتقل می‌کنند. مساجد

صهیونیست او را در ایران، تهدید می‌کنند؛ شکی نیست که خطر اصلی، یک حرکت انقلابی مردمی است که میتواند نهادهای اصلی (سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و نظامی) سیستم شاه را درهم کوبیده، دست اجانب را از میهن کوتاه نماید. آیا چنین حرکت انقلابی، در چهارچوب افکار «لیبرالیستی - مسلمان» که ناسانن اساسی مشروطهٔ سلطنتی را برای انجام اصلاحات قبول دارد، میسر است؟ افکاری که در پایان راه، حداکثر رسیدن به یک محیط باصلاح «دموکراتیک» را هدف قرار داده‌اند. به‌شهادت تاریخ، در شرایط انقلابی، و زمانی که مبارزه به مرحلهٔ نبردهای مسلحانه کشیده میشود، نیروها و جبهه‌های «لیبرال - مسلمان» به دلیل ماهیت رفرمیستی، در صحنه‌های پیکار، حضور و نقشی ندارند. در شرایط حاد مبارزه و در نبردهای مسلحانهٔ نابرابر، اختصار حضور مستقر در میدان پیکار، فقط نصیب مبارزانی میشود که متکی به ایدئولوژی مکتبی و حمایت‌آگاهانهٔ تودهٔ مردم باشند. مکتب اسلام، که دارای ماهیت انقلابی است، به دلیل داشتن پایگاه توده‌ای در ایران، در هر زمان که چهرهٔ راستین آن

عصر عاشورای سال ۴۲، همزمان با اوج گرفتن تظاهرات توده‌های مسلمان، امام خمینی، در مدرسه فیضیه قم سخنرانی مهمی ایراد می‌فرمایند. به‌فرزانه‌ای از این سخنرانی توجه کنید:

«... امروز بمن خبر دادند که عده‌ای از وعظ و خطابه تهران را برده‌اند سازمان امت و تهدید کرده‌اند که از سه موضوع حرف نزنند:

- ۱ - از شاه بدگویی نکنند
- ۲ - با اسرائیل حمله نکنند
- ۳ - نگویند که اسلام در خطر است

و دیگر هر چه بگویند آزادند. تمام گرفتاریها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است. مملکت ما، اسلام در معرض خطر است. آن چیزهایی که برای این ملت دارد بیش می‌آید آنچه‌یکه در شرف تکوین است. سخت مارا نگران ساخته است.

راستی، چرا حرف زدن دربارهٔ سه موضوع فوق، ممنوع شده است؟ و چرا امام کوچکترین تأخیر را در افشای این توطئه، جایز نمی‌شمارند؟ به‌بینیم در اصل چه عواملی رژیم شاه و منافع اربابان امپریالیست و

## قسمتی از سخنان امام خمینی درباره استفاده صحیح از آزادی

برخلاف نظامات اسلامی عمل کنیم و هر چه در دسترس ما است، برای آزادی مبارزه کنیم. هیچ‌یک از قواعد اسلامی و ملی نساختم، آزادی را برخلاف مسیر ملت صرف کرده‌ایم. توجه داشته باشید که از این آزادی و از این امتحان آبرومند بیرون بی‌آئید. هیچ‌یک از قواعد اسلامی و ملی نساختم، آزادی را برخلاف مسیر ملت صرف کرده‌ایم. توجه داشته باشید که از این آزادی و از این امتحان آبرومند بیرون بی‌آئید.

... اگر من که اینجا هستم بر خلاف مقررات عمل کنم و آنکه در تهران است بر خلاف مقررات عمل کند و آنکه در سرحات است خلاف مقررات عمل کند خدای نخواست این نهضت را که خداوند بجا داده است و باید شکر او را بکنیم، کفران کرده‌ایم و خدای نخواست از ما گرفته میشود و بساز بر میگردد به سال‌های سابق هر گرفتاریهای سابق...

قسم - روز جمعه ۱۳۵۸/۳/۱۱ گروهی از افراد پرسنل نیروهای هوایی و دریایی بندرعباس در قم در جلوی منزل امام خمینی رژه رفتند. امام در این ملاقات بیاناتی ایراد فرمودند که ما قسمت‌های مهم سخنان ایشان را در ذیل می‌آوریم:

ما تاکنون آزادی را بدست آورده‌ایم و همه شما الان آزادانه از محل خودتان آمده‌اید و باهم ملاقات می‌کنیم که قبل از این چنین آزادی برای شما و برای ما نبود. ما الان آزاد هستیم و آزادی یک نعمت بزرگ الهی است، باید ببینیم در این موقع که آزاد هستیم از این آزادی آیا سوءاستفاده می‌کنیم یا استفاده مشروع.

... اگر آزادی را در مسیر خودش برای صلاح ملت و برای صلاح اسلام و برای خدمت یک کشور بکار بردیم از امتحان درست بیرون آمده‌ایم و اگر خدای نخواست از آزادی را بر خلاف مسیر ملت و اسلام صرف کنیم و

## توطئه در خوزستان

حضرت آیت‌الله طالقانی در یک گفتگوی تلویزیونی دربارهٔ اعجاز قرآن و هم‌چنین دیگر مسائل مهم مملکتی سخنانی ایراد فرمودند. ما در ذیل قسمتی از سخنان ایشان را در رابطه با مسئله روز مملکت یعنی خوزستان می‌آوریم.

ایشان فرمودند:

با توجه به حساسیت امپریالیسم و صهیونیسم و دشمن‌های دیگر شرق و غرب ما نسبت به موجی که قرآن ایجاد خواهد کرد و نسبت به منافع آینده‌شان جواب روشن است. اینها که منافقان در ایران و شرق میانه و در میان مسلمانهای دنیا بسط گرفته‌اند به هر نقطه‌ضعفی مناسبت می‌شوند. این بر ماست که از جهت وحدت فکر و پیشبرد نهضت اصیل اسلامی به دشمنان خارج و عوامل داخلی آنها مجال ندهیم. این همان میکرب چرکینی بود که بکروز در سنج، آن آشوب را پیاورد و اکنون که آنجا نتوانسته به نتیجه برسد و پس از آن در گنبد و امروز در خوزستان، من هر چه فکر می‌کنم مسئله‌ای نیست که این درگیریها پیش آمده، نماینده‌های برادران خوزستانی ما از گروههای مختلف آمدند و من با آنها مدتی به بحث نشستم، تقاضایشان را گفتند، ظمهایی را که به آنها شده است بیان کردند و من هم سنه انقلاب اسلامی را برای آنها تشریح کردم که در نظام اسلام، اسلام اصیل هیچ گروهی، یا هیچ فردی یا هیچ صاحب زبان از حقوق حقه خود برکنار نخواهد ماند و این را نه تنها من بارها به برادران و فرزندان خود و ترکمن و بلوچ و عربمان گفتم بلکه مسئله‌ای است که همه رهبران این انقلاب اسلامی بخصوص آیت‌الله خمینی بارها تأکید کرده‌اند و آنها در وضع فعلی آسیا چیزی کمتر دارند از مردم تهران و یزد و کاشان و مردم مشهد، خوب بیان کنند و نسبت به آینده هم که ما بارها بارها گفته‌ایم که نظام اسلامی نه به تبعیت از دموکراسی غربی دروغ، نظام اصیل اسلامی حقوق هر فرد و هر گروهی را تأمین خواهد کرد.

## امامت

مباحث ایدئولوژیک

نمی‌پذیرد - اما اگر این جعل را مرادف با تأثیری بدانیم که مستقل از وضعیت و حالات درونی پدیده‌ها از خارج بر آنها عارض می‌شود، در حقیقت بدور افتاده‌ایم - در اینصورت «جعل» یا قرار دادن امامت و پیشوائی در جهت بدی - یعنی سقوط و عذاب چگونه قابل توجیه است.

«آنها را پیشوایی قرار دادیم که بسوی آتش دعوت می‌کنند...» قصص ۴۱

در هر دو مورد خداوند قرار دادن پیشوائی را بخود نسبت میدهد، اما یکی پیشوائی بسوی کمال است، و دیگری بسوی انحطاط - از این رو تفاوتی نباید بین ایندو قائل شد. این تفاوت مربوط به کمکسبیت شخصی و حالات درونی پدیده است و اراده خداوند از طریق

دکتر بیجان

گفته شد، رسیدن به نظام امامت و پیشوائی مستلزم کسب خصلتها و استعدادهایی است که در قرآن با اصطلاح «جَعَلَ» قرار داده، بیان شده است - به عبارت دیگر آیات دلالت بر این دارند، که خداوند افرادی را برای امامت و پیشوائی مردم قرار می‌دهد، تا به «امر» و مردم را هدایت و به «وحي الهی» کارهای نیک انجام دهند، نماز بدارند و زکوة بدهند و ... ممکن است تصور شود وصول به مقام پیشوائی نتیجه تأثیر یکجانبه اراده و وحی است، و زمینه شخصی و کمکسبیت فرد در این میان نقشی ندارد - در حالیکه، دیدیم چنین نیست - در یک معنا چون تمام اعمال و فعل و انفعالات تحت نظم و قوانین الهی حاکم بر هستی انجام می‌گیرد هیچ تغییر و تحولی مستقل از اراده و «جَعَلَ» خداوندی انجام

## گزارشی از کارخانه قند و شکر اهواز

از موقعی که چغندر قند آماده بهره‌برداری می‌شود، کارخانه بمدت ۳ ماه، از نیمه فروردین تا اواخر خرداد، از آن شکر تولید می‌کند. در گذشته در بقیه سال شکر زرد وارداتی (از کوبا) را تصفیه کرده و به‌شکر سفید تبدیل می‌کردند. که این کار مقرون به‌صرفه نیست، زیرا شکر وارداتی به قیمت ۲ تا ۳ ریال گرانتر از شکر سفید آمادهٔ فروش، خریداری می‌شود.

البته اسامیل پس از پایان بهره‌برداری از چغندر قند، بعلت اضافه ماندن و مقداری از واردات سال قبل، در حدود ۳ ماه تصفیه شکر خواهیم داشت.

گزارش زیر از طرف یکی از برادران کارگر بدست ما رسیده است که پس از اصلاح بعضی جملات از نظر دستوری - آنرا عیناً در زیر می‌آوریم.

موقعیت کارخانه:

کارخانه در ۱۰ کیلومتری خسارخ شهر اهواز، نزدیک دو روستای حسانی بزرگ و گبیر ۳ قرار دارد و ۲۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد.

چگونگی کار و محصولات کارخانه:

کارخانه در سال دو نوع کار انجام می‌دهد، اول - تولید شکر از چغندر قند و دیگری تصفیه شکر.

بقیه در صفحه ۸

## تأثیر انقلاب ایران در عراق

در شهر نجف اشرف عده کثیری که به طرقداری از انقلاب ایران به رهبری امام خمینی گردهم آمده بودند، قبل از انجام این مراسم بسوسلیه عمال بعضی بازداشت شدند که از جمله آنها شخصی سرشناس بنام کرلالی میباشد که در محکمه نظامی به اعدام محکوم و حکم نامبرده اجرا شد.

در روزهای اخیر خبر رسید که بعضی‌ها به مناطقی کردتین عراق یورش بردند و در شهرکوی سنجق ۵۰ نفر از «اکراده این منطقه را بازداشت کردند که از ایشان خبری تاکنون نرسیده است.

# ۱۵ خرداد نقطه عطف مبارزات خلق مسلمان ایران

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲



سرمقاله

بقیه از صفحه اول

آورد و موقعیت خود را که ضعیف و سست شده است محکم کنند. این وضعیت اگر ادامه یابد، در درازمدت و در صورت بحرانی تر شدن شرایط، برای موجودیت انقلاب شدت خطرناک بوده و خطر یک کودتای ارتشی را، البته در ظاهر و عنوان دفاع از جمهوری اسلامی - سرعت افزایش خواهد داد. به این دلایل است که امیرالیاسم اغتشاشات و جنگهای داخلی را دامن می زند و تحریک می کند و از آنجا که ادامه چنین وضعیتی جز سود دشمن تمام نمی شود، هر کس و هر جریان اجتماعی که عملش موجب تشدید درگیریها و نزاعها گردد، دانسته یا ندانسته آب به آسیاب امیرالیاسم ریخته است.

و اما لیبرالیسم، جریان اجتماعی است که با انجام هر نوع تغییر بنیادی در نظام موجود هدایت داشته، بدلیل داشتن نوعی وابستگی به فرهنگ استعمار غربی، اهمیت تضاد با امیرالیاسم را نادیده می گیرد و از دموکراسی نوع غربی آن حمایت می نماید. دموکراسی و آزادی که سرانجام آن تثبیت نیروهای وابسته به سرمایه داری جهان خوار و حفظ سلطه فرهنگ استعمار غربی در کشور ما می باشد. این جریانها، با سنگ گرفتن بر پشت شعار آزادی و هدف عمده را دنبال می کنند، یکی مخالفت با مکتبی شدن جنبش و انقلاب و دیگری ایجاد زمینه مساعد جهت کسب قدرت سیاسی و تسلط بر سر نوشت کشور.

باید دید آزادی تحت چه شرایطی تحقق پیدا میکند و چه وقت مردم می توانند حق حاکمیت خویش را ازادانه اعمال نمایند. آیا تنه گامی که نفوذ اقتصادی - سیاسی و فرهنگی استعمار، بابرجاست و تا وقتی افکار ارتجاعی چون غل و زنجیر اندیشه مردم را به بند کشیده است، می توان از تحقق آزادی و دموکراسی صحبت کرده؟ آیا تجربه های ملی در نهضت مشروطه و نهضت های آزادیخواهی بعدی در ایران و در سایر نقاط جهان، مثلاً در اندونزی، شیلی و... کافی نیست تا ما را با این حقیقت آشنا کند که بدون قطع کامل ریشه های استعمار و بدون از بین بردن وابستگیهای اقتصادی و فرهنگی که مردم را زیر نفوذ و اسارت خویش گرفته است، نمی توان به آزادی رسید. نفوذ استعمار انگلستان اجازه نداد تا کوشش آزادیخواهان در نهضت مشروطه خواهی به ثمر برسد. انگلستان با برنامه های دقیق در نهضت نفوذ کرد و جناح لیبرال را که عمدتاً به متجددین معروف بودند، تقویت نمود و آنها را بر ابریکه قدرت نشانند و به کمک آنها و دیگر عوامل وابسته به خود نظیر فئودالها - ملاکین و... انقلابیون و ارادتمندان اصیل را برکنار نمود. در زیر لوای آزادی و مشروطه خواهی از رند نهضت اصیل مردم جلوگیری کرد و سرانجام تسلط کامل خود را بر سیاست و اقتصاد کشور تثبیت کرد - سلطه لیبرالها بر مراکز تصمیم گیری مانع از آن شد که نهضت مشروطه تغییرات اجتماعی و اقتصادی بوجود آورد و مردم را از اسارت آزاد کند. همان موقع متجددین نمونه جامعه سرمایه داری و دموکراسی اروپائی را تبلیغ میکردند. بدیهی است که نتیجه تبعیت از سرمنتهای سیاسی - اقتصادی و فرهنگی ممالک استعماری - چیزی جز محکم کردن بسندهای اسارت و تسخیم سلطه استعماری نمی باشد.

متجددین آن زمان و اخلاف لیبرال آنها در ادوار بعدی تا امروز، همیشه از دموکراسیهای سرمایه داری غربی دفاع کرده اند. آنها با عناصر اصیل فرهنگ ملی اسلامی که مانع گسترش فرهنگ منطبق اروپائی در کشور ماست - مخالفتند - آنها با تغییرات مکتبی که منجر به قطع سلطه استعمار میشود - مخالفتند. آنها فقط آزادی میخواستند. آزادی در چهارچوب شرایط حاکم - شرایطی که با تسلط اقتصادی، فرهنگی استعمار تعریف میشود - شرایطی که در آن مردم محکوم روابط و مناسبات اجتماعی، فرهنگی حاکم هستند. آنها برای عنصر استعمار واقعیت قائل نیستند و امیرالیاسم را چیزی موهوم میدانند و لازم نیست پیشرفت را بیرونی از سرمنتهای اروپائی میدانند، مستعدند در آداب و رسوم، در وضع قوانین، در توسعه اقتصادی، در نظام تعلیم و تربیت، در سیستم آداری و در دستگاه قضائی و در ساخت سیاسی و در کلیه نشئون اساسی زندگی باید از کسانی تبعیت کنیم که فرستگها از ما جلو افتاده اند. امید استعمار در عصر مشروطه به همین مزدورین بسود و

سرمقاله

نخواهید؛ البته از آدیخواهان مزبور، جز اندکی، بقیه آنقدر بسی اطلاع از اسلام هستند که نمیتوانند ایدئولوژی اسلامی قادر به حل همه مسائل اساسی انسانی، در هر عصر و زمانی است - آنها از موضوع دیگری حقیقت را ندیده می گیرند - بسپاده شدن ایدئولوژی اسلامی در عمل وابستگی ما را به قدرتهای استعماری و فرهنگ سرمایه داری قطع می کند - در نسیبایند - آنها طالب آزادی هستند، اما رابطه آزادی با انقلاب اجتماعی را در نمی بینند - تعریف آنها از آزادی ناقص است. آزادی برای آنها در آزادی فعالیت های سیاسی قشرهای برگزیده خلاصه میشود - اما برای ما آزادی مفهوم عمیق تری دارد - به اعتقاد ما تحقق آزادی مستلزم وجود دو شرط است یکی قدرت تشخیص برای همه مردم دوم - قدرت انتخاب آزاد برای همه مردم - تا وقتی جهل و فقر، استعمار و سلطه وجود دارد این دو شرط تحقق نمی یابد، تا وقتی اختلاف طبقاتی است، تا وقتی امکانات و فرصتهای زندگی در انحصار قشرها و طبقات خاصی است، تا وقتی توده حتی از سواد خواندن و نوشتن محروم است. تا وقتی اسیر مناسبات ظالمانه حاکم است و پسر خویشتم هم تسلط ندارد و نیروی کار بدنی و قدرت ذهنی اش برده مناسبات حاکم است - صحبت از تحقق دموکراسی مضحک می نماید، رسالت انقلاب اسلامی ایران برداشتن همه قیود اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و فرهنگی از دست و پا و اندیشه خلق است.

اگر مسئولین و زمامداران به این معنای توجه باشند، رسالت تاریخی انقلاب را نادیده گرفته اند و چنانکه امام تأکید کردند اسلام را بدانند و خوار نموده اند - اسلام به لفظ نیست - جمهوری اسلامی فقط تغییر نام نیست به گفته رهبر انقلاب «مردم از دولت اسلامی توقع دارند که همه کارها را بکنند» اصلاح کند - لیکن آنها می که در رأس کارند انطور رفتار نکنند که اسلام را هم مساند یک دولت طاغوتی بیا عرضه کنند - اگر در امور مسامحه کنیم، اسلام را در نظر جهان و نظر جوانانهای و قشرهایی که از اسلام بسی اطلاع اند یک صورت طاغوتی داده ایم... این شکستی است که تا آخر اسلام را به شکست می رساند»

انقلاب اسلامی وقتی معنای واقعی خود را پیدا می کند که بنیادهای ستم زیور و شوند. ظلم و سلطه و استعمار و استبداد از بین برود - انقلاب انتقال ساده قدرت از گروهی به گروهی دیگر نیست - انقلاب تغییری نیست که مردم قبل و بعد از آن در یک حال باقی بمانند - زمامداران جدید راه گذشته را با کمی تغییر ادامه دهند - انقلاب یک تغییر نهادی و بنیادی است و هدف انقلاب اسلامی انجام این تغییرات است که منجر به قطع کامل نفوذ استعمار در تمامی زمینه های می شود و امکان لازم برای آگاهی و تشخیص درست به همه مردم میدهد - آزادی لازم برای تعیین سرنوشت به آنها میدهد - تنها پس از تحقق این شرایط است که مردم می توانند حق حاکمیت خود را بدرستی اعمال کنند و امیرالیاسم و سرمایه داری و استبداد و ارتجاع از همین خصالت انقلاب هراس دارند - بشرطیکه در عمل انقلابی باشیم و به اسلام وفاداری نشان دهیم - بقول امام «تا رفتن شاه ظالم اگر بنا باشد که ظالم برود و ما یک دسته دیگر جای آنان بنشینیم و همان کارها را به اندازه ای که قدرت داریم انجام دهیم آنوقت ما هم همان رژیم هستیم - وضع شهرتانی باید تغییر کند نه اینکه لفظش تغییر کند، وضع هم همانطور - ارتشی ها و وزارتخانه ها و ادارات هم همانطور»

آری بدون تغییر کامل همه مناسبات در ارتش - شهرتانی - ژاندارمری - بدون تغییر بنیادی در مناسبات ادارات اقتصادی و بدون یک انقلاب فرهنگی - انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مفهوم واقعی خود را نمی یابند. \*

بقیه از صفحه ۱

مصاحبه با علامه احمد مفتی زاده

بود، متوجه شدم که دیگر در تهران نمی توانم کار مثبتی بکنم و آن پایگاهی را که بواسطه سوابق خانوادگی و شخصی در کردستان دارم و مردم با من هستند، در تهران وجود ندارد. بعد از قزل قلعه تعلقاتم را از تهران قطع کردم و به سنجندج برگشتم. اگرچه فشار فراوان بود و از فعالیت وسیع و آشکار من در سطح جامعه همیشه جلوگیری می شد، اما از آن زمان مبارزات من قاطع تر و روشن تر و صریح تر از گذشته شد، به اضافه اینکه در این مدت متوجه شدم، بودم که ستمهای ملی هم یکی از

ستمهایی است که دین سخت پا آن مبارزه می کند - همچنین دلیل تمام مبارزات خودم را در عنوان اسلام جمع کرده و در حقیقت سه خدمت در مبارزاتم وجود داشت.

اول - مبارزات ضد ستم مذهبی، که از زمان صفویه رواج پیدا کرده بود و ستم مثل یک اقلیت خارج از اسلام به حساب آمده بود، انطور که در قانون اساسی شاهنشاهی هم می بینید. دوم - ضد ستم ملی و ستم ضد ستم طبقاتی - در ضمن همیشه تلاشم در این جهت بوده که اسلام از صورت مسخ شده و آلوده با خرافات و شاهنشاهی زده خارج شده و به صورت واقعی و اصیل بازگردد که در آنصورت هم انواع ستمها بر طرف خواهد شد و هم عدالت واقعی در ایران استقرار پیدا خواهد کرد. مبارزات من تا پیروزی نظامی انقلاب در این مسیر ادامه داشت، پس از این پیروزی نظامی، فعلاً مبارزاتم در جهت اینست که انقلاب ما از همه جهات پیروزی شود. زیرا بنظر من این پیروزی فقط یک پیروزی نظامی است. یعنی قدرت درگیری روبرواری را از دشمنان اسلام گرفته ایم، نه اینکه نفوذ بیگانگان را از کشور و اسلام بکلی قطع کرده باشیم. از این به بعد تلاش من در اینجهت خواهد بود که بتوانم آثار نفوذ افکار، فرهنگ، اخلاق و روابط غیر اسلامی را از انقلاب و جامعه انقلابی بزدایم.

س - در رابطه با وقایع سنجندج ما بسختیهای مختلفی از طرف جناحهای مختلف شنیده ایم، نظر شما در این رابطه و عوامل بوجود آورنده این حادثه چیست؟ ج - متأسفانه پیروزی تقریباً ناگهانی نظامی بر دشمن گرفتارهای فراوان بدنبال داشته، اگر آن حالت انقلابی گذشته مدتی بیشتر طول می کشید، بی تردید برای ملت سنگین تر بود، اما بختگی انقلابی هم بیشتر می شد. ولی زود درسی انقلاب موجب شد، مشکلاتی را که در جریان انقلاب باید تحمل می کردیم، اکنون محو پس از پیروزی تحمل کنیم. انگیزه اصلی وقایع سنجندج دشمنانهای سادرس است شخصی ناگاه نسبت به منطقه، بنام صفدری بود که سابقه مبارزاتی خوبی هم علیه رژیم گذشته داشت، ولی پس از تحول، این شخص بواسطه ناوارد بودن به شرایط محل، همه اعمالش در خلاف مصلحت انقلاب بود. این مطلب را بارها به مراجع ذی دخل در منطقه تذکر داده، تلفنی و حتی حضوری، بارها به خود صفدری هم گفتیم که ماندن تو در اینجا موجب پیش آمدن فاجعه می شود. پس از تذکرات مکرر بالاخره تهدید کردم و گفته که بخاطر احترام و محبتی که بواسطه مبارزات گذشته نزد من داری مایل نیستم با روشی اهانت آمیز از سنجندج بیرون روی. اگر به ماندن در اینجا اصرار کنی مجبور می شوم، سوار ماشینت کنم و از شهر خارجت سازم. این اصرار را تا کنن که من بخاطر حفظ انقلاب در منطقه و نفع مسلمانان مجبور شوم توهینی به تو روا دارم. اما هم او و هم شخصیهائی که باید احساس مسئولیت بیشتری در قبال منطقه می کردند، اصرار ورزیدند و قبل از اینکه بتوانم تصمیم خود را مبنی بر اخراج صفدری از سنجندج عملی کنم، متأسفانه این حادثه پیش آمد که خبردارید. انگیزه این امر بود، اما می دانید که دشمنان انقلاب از هر انگیزه و عاملی، شدیدترین استفاده را علیه انقلاب و علیه مسلمانان می کنند. دخالت صفدری مردم را ناراضی کرده بود و دشمنان انقلاب هم از این جریان آگاهی داشتند. از چند روز پیش از حادثه، از رهبران دینی در سراسر کردستان دعوت کرده بودم که در سمنج جمع شده و خواسته های ملت را بصورت طرحی تنظیم کنیم و بعد با تبادل نظر با صاحب نظران عیروحاتی، طرح جامعی تهیه گردد و نمایندگان برای تسلیم این طرح به دولت و بحث و تبادل نظر روی آن انتخاب کردند. به این دلیل روز بیست و هفتم (اسفند) به سفر رفتم

و غیبت من و حضور نداشتن عده ای دیگر از برادران مسلمان مسئول و آگاه، زمینه را بیش از پیش برای دخالت دشمنان انقلاب فراهم کرد و حادثه ای که اگر بطور طبیعی پیش می آمد، می توانست خیلی کوچک باشد، بصورت بسیار خونین و بزرگ بوقوع پیوست. س - اگر امکان دارد در مورد اوضاع اقتصادی کردستان و مشکلات خلق کرد و اینکه چه نیازهائی در سطح آن منطقه وجود دارد توضیحاتی بفرمائید که شاید این هم از عوامل بر انگیزنده باشد. ج - اضافه بر ستمهای مذهبی و ملی و طبقاتی، در دورانیهای گذشته کردستان تقریباً فراموش شده بود. می توانم مطمئن باشم که این سخن بیالنه نیست که اگر بگویم آنچه تنها در یک خیابان تهران خرج شده در سراسر کردستان خرج نشده، فقر و عقب ماندگی در اوج است. سابقاً اگر مردم بواسطه انواع تسولیدات، مثل تسولیدات مسواد گوسفینی، کشاورزی و محصولات باغداری زندگیشان تأمین می شد، سیاست وابستگی اقتصادی که در زمان محمدرضا شاه اعمال و اجرا شد

چنان تولیدات داخلی را با بین آورد که کردستان از این جهت هم محروم شد و در قیاس با گذشته در این باره سال اخیر، فقر و استیصال در کردستان خیلی بیشتر از گذشته شده بود و آآن دولت پس از تصویب طرح خودمختاری برای کردستان مکلف است همانطور که بارها تذکر داده به سبب احتیاج، درآمد مملکت را تقسیم کند. به سبب جمعیت و گستران و بعضی جاهای دیگر ایران که در گذشته ست اقتصادی زیاد دیده اند، باید بیشتر مورد توجه باشد تا مناطقی که از نظر اقتصادی در گذشته مورد توجه بوده و پیشرفت فراوانی داشته.

س - تاجیک و کارها و عملکرد شورای شهر سنجندج تاکنون چگونه بوده و آیا در بررسی و حل مشکلات مردم تا حال بطور سسی موفق بوده است یا خیر؟ ج - متأسفانه شورا تا حالا نتوانسته کارهای اساسی انجام دهد و این بعدو دلیل است. اول اینکه وظایف و اختیارات شورا معین نیست و دوم اینکه گرفتارها در منطقه زیاد است، مسراعات شخصی به نفع فراوان است و بیشتر وقت شورا با بحثهای خصوصی اشخاص و بنا گرفتارهای خصوصی می گذرد و کمتر میتواند برای مشکلات اساسی منطقه اقدامی بکند.

س - رابطه مردم با شورا و عکس العمل آنها نسبت به اعضای شورا چگونه است؟

ج - مردم عملاً نسبت به شورا امید دیگری ندارند و اکثریت آنها تقریباً بی تفاوت شده اند و این بواسطه همان ناتوانی شورا در حل مشکلات مردم میباشد.

س - نقش رهبری را در کردستان چگونه می بینید و نظرتان در سراسر خودمختاری و صوابست این خودمختاری برای کردستان چیست؟

ج - در مورد رهبری مجبورم اول توضیحی بدهم، رهبری در صورت دارد بکی رهبری اسلامی و دیگری رهبری شکستنا، رهبری انقلابی، نظر مردم و قبول و فرار و دخالت آنها در آن تأثیری ندارد. رهبری انقلابی به این معنی است که در جامعه ای که ارتجاع و فساد و استبداد حکومت دارد، شخصی یا اشخاصی آگاه و دلجو علیه نظام موجود قیام کند. وقتی این افراد قیام می کنند طبیعی است که قیام اینها داتاً رهبری است و با قول و فرار و توافق با مردم صورت نگیرد. بلکه تعهد و مسئولیت و تحمل مشکلات انقلاب است و غالباً مردم جرأت همراهی و هم مسیری با این اشخاص را ندارند. اما رهبری انقلابی استادگی می کند. مفادومت می کند، مردم را حرکت می دهد، مردم را جهت می دهد تا بالاخره قدرتهای هفت و بی تفاوت مردم جهت بگیرند و علیه نظام موجود بخرکت درمی آیند. این جریان ادامه پیدا می کند تا زمانی که نظام موجود شکست می خورد پس از شکست نظام موجود و اینکه دیگر دشمنی در برابر مردم و رهبری انقلاب وجود نداشته باشد، نوبت به رهبری شکستنا می رسد. به این معنی که دیگر زمان دادن و در این زمان مردم هستند که رهبر را تعیین می کنند و رهبری در این مرحله با نظر مردم و انتخاب مردم قابل قبول است. بنا بر این در مسوقیت فعلی عنوان رهبری به معنی شکستنا برای کسی نمی توان قائل شد. زیرا اول باید قانون اساسی تدوین شود بعد فسونان مختلف مملکتی وضع شود. نظام اداره مملکت معلوم گردد و سپس مردم برای تعیین اشخاص در رأس کارها و سپردن مسئولیتها به مسئولان دخالت و اظهار نظر کنند. و اما در مورد خودمختاری، عالی ترین نوع خودمختاری آنست که در اسلام تعیین شده و تعبیر مناسب برابری خودمختاری اسلامی، دادن حقوق متناسبی به ملتها است، زیرا ملتهای مسلمان در اسلام همه از نظر سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره دارای حقوق متناسبی هستند.

در مورد ملتهای مسلمان، نظام خودمختاری اسلامی به این صورت خواهد بود که هر کدام از مناطق مختلف ایران مثل کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان، خوزستان، ترکمن صحرا و هر جای دیگر، شورا سسی محلی تشکیل دهند که این شورا اگر واجد شرایط باشد، تمام اختیارات حکومت را در دست دارد، زیرا در اسلام حکومت یعنی شورا ولا غیر. ارتکان دیگری در کنار شورا نیستند، انطور که در نظامهای دمکراتیک، قوه مجریه و قوه قضائیه در کنار شورا قرار دارند. در اسلام شورا قدرت حکومت است و بعد شورا است که نبردهای دیگر را تأسیس می کند و اختیارات را به آنان در حدی که مصلحت می داند می سپارد. غیر از شورا چهار نیروی دیگر در اسلام داریم که قابل تفکیک از هم دیگر هستند و برای جهان امروز تفکیک این قوا بسیار ضروری است. قوه مجریه یعنی همان دولت قوه قضائیه که دادگستری است، قوه مالیه یعنی بیت المال یا دارائی با وزارت اقتصاد، قوه فوایع، اینها بعنوان یک جمله معترضه این مطلب را تذکر بدهم نسامگذاری

بقیه در صفحه ۲

تابرقراری جامعه بی طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد



# قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲

عظم تا ۴ برماه ۴۲ در زندان قصر و سپس در یکی از سلولهای پادگان عشرت آباد زندانی می‌گردد. همزمان با دستگیری ایشان آیت‌الله قمی از مشهد و آیت‌الله محلاتی از شیراز، دستگیر و به زندان تهران گسیل میشوند. خیر توفیق قائم بزرگ، طوفانی از خشم در میان توده‌های مسلمان و انقلابی شهر قم برمی‌انگیزد. فریاد رعدآسای «با مرگ یا خمینی» در آسمان قم طنین مینماید. سراسر صحن مطهر، توسط مردم خشمگین پر میشود. زنان قهرمان قم، مسلح به چوب و کنار و... با فریاد کوبنده «خمینی، خمینی» به خیابانها می‌ریزند و شور انقلابی توده را شعله‌ور، و آتش انتقام و قهر خلق را نسبت به رژیم تبهکار دامن مینزند.

در همان روز با اوج‌گیری تظاهرات بحق مردم، به وحشت می‌افتد بلافاصله طنین مسلسل درخیمان در فضا می‌پیچید. هدف آتش جانسوز این سلاحهای مرگبار، زنان و مردان آزاده‌ای است که نطق شعار میدادند، نتیجه معلوم است. خون صدها شهید، سنگرش خیابانها و کوچه‌ها را، رنگین می‌کند.

## موج تظاهرات ضد شاهی در تهران

همزمان با قم، در تهران نیز به‌شانه اعتراض به دستگیری امام خمینی، مغازه‌ها بسته و بازار تعطیل میشود. دانشجویان آگاه و مبارز، با فریاد خشمگین «خمینی را آزاد کنید» از دانشگاه، به خیابان می‌ریزند. سیل جمعیت از بازار، دانشگاه... به سوی کاخ سرمر، سرازیر میشود. فریاد خلق قهرمان، با شعارهای «مرگ پرنشانه» «ما شاه نمیخواهیم»، «دیکتاتور برو گمشو» کاخ شاهی را به لرزه درمی‌آورد.

قصد مردم، واژگون کردن شاه و رژیم منحوس اوست. برای اشغال رادیو تلاش می‌کنند. به اداره تبلیغات ارتش و بعضی ادارات دولتی که مظاهر پلید نظام شاهی بودند، یورش می‌برند. پانزدهای پلیس و سازمان «فرهنگی» ایران و آمریکا مورد حمله مردم قرار می‌گیرند.

عَمّال رژیم با تلاش مذبحخانه مغازه‌ها را به آتش می‌کشند. انجمن‌های مردم، کتابخانه‌ها را می‌سوزانند و کابین‌های تلفن را می‌شکنند. آنها قصد دارند با این اعمال، تظاهرات «ضد شاه» را هرج و مرج نشان دهند و چهره انقلاب قیام ۱۵ خرداد را، آشوبی ارتجاعی و غیر انسانی معرفی نمایند. تا بسد بسوس، سرکوب و وحشیانه صدای حق طلبانه مردم را، برای مردم دنیا، موجه جلوه دهند.

حرکت مردم به‌سوی کاخ شاه، آتش خشم و انقلاب را به اوج میرساند. تمام خیابانهای که به کاخ منتهی میشوند، از سربازان گارد، تانک و زرهپوش پوشیده شده‌اند. سیل خروش مردم، تا نزدیکیهای کاخ، پیش‌رفته و روز در روز توپها و مسلسلها قرار می‌گیرند. پایه‌های تخت شاه می‌لرزد، او نابودی و اضمحلال خود و نشانه‌هایی از انتقام سهمگین خلق را به چشم می‌بیند.

«دستور آتش» می‌دهد. دربار جمعیت، با دست خالی و قلبی آکنده از تنفر نسبت به رژیم و دژخیمان، و امپریالیستها و صهیونیستهای هوادارشان، در یک لحظه، لشکر شاه، رگبار گلوله را به سوی تظاهرکنندگان می‌گشاید.

میدان آرک، توپخانه و تمام خیابانهای که به کاخ منتهی میشوند، به کشتار گاه مردم مسلمان تبدیل میشود. خلق بیباخان، به حکومت ساریا خیاست بهلولی، «نه» می‌گویند.

ما قسمتی از گزارش خبرنگار (U.P.I) که خود شاهد جریانات ۱۵ خرداد بود از «بولتن جبهه ملی» شماره ۳ جمعه ۱۷ خرداد ۴۲ نقل می‌کنیم.

«تظاهرات کثرتگان با مشت‌های گره کرده و فریادهای رعدآسا وارد خیابانهای اطراف بازار شدند و با قوای ارتشی مواجه گشتند. قوای مسلح به طرف جمعیت تیراندازی میکرد ولی مردم همچنان پیش می‌رفتند. من شخصاً ناظر بیشتری شجاعانه تظاهرات کثرتگان بسوی رگبار گلوله بودم ایمان مردم بحدی قوی بود که سینه خود را سیر گلوله نمیکردند و به بی‌روزی و موفقیت خود اطمینان داشتند ولی نظامیان با سائنگهای سنگین و مسلسلهای ساخت آمریکا بیکار ننشسته بودند. من شاهد بودم که سربازان با خون‌سری هرچه تمامتر مردم را هدف گلوله قرار داده درو میکردند. یکی از تظاهرکنندگان در مقابل من بزمین افتاد و جان سپرد وقتی خم شدم جوان دیگری در برابر من غلظی زد و بر

زمین افتاد و پدیدال خود سوار از خون پشجای گذاشت... آتش و خرابی بازار و ادارات دولتی و مغازه‌های فراوانی را فرو گرفته بود سیاه به آسمان بلند است. غرش مانشینهای آتش‌نشانان از هر گوشه‌ای به گوش می‌رسد ولی هنوز شعله آتش به آسمان زیبانه میکشند...»

دامنه تظاهرات ضد استبدادی و ضد استعماری مردم تنها به شهرهای بزرگ ختم نمی‌شود. زارعی زحمتکش و بیدار و رامین، کن و سایر دهات اطراف تهران، بسوی پایتخت به راه می‌افتند. کشاورزان کفن‌پوش و رامین، با فریادهای «با مرگ یا خمینی» به طرف تهران حرکت می‌کنند. این مجاهدان جان سر کف، در سر پل «باهرآباد» به فجع‌ترین شکل ممکن، به خاک و خون کشیده میشوند، در تهران حکومت نظامی اعلام می‌گردد.

لوموند در شماره ۷ ژوئن ۱۹۴۳ (۱۷ خرداد ۴۲) در این باره می‌نویسد:

«... ۲۳ تانک سنگین آمریکائی در برابر اداره شهرداری و وزارت خارجه آماده عملیات هستند. تانک‌های دیگری نیز همراه با ۶ جیب مسلح به مسلسل اداره پست و تلگراف را می‌پایند و سربازان بطور مدام انگشتشان روی ماشنه آماده فشردن است... ژنرال نصیری بلافاصله دستور زیر را صادر کرد:

هرگونه اجتماع از ساعت ۸ به بعد ممنوع است و مأموران فرماندار نظامی دستور دارند به دنبال اولین اخبار شلیک کنند. هرکس علیه نظم عمومی فعالیت کند در معرض مجازات اعدام قرار دارد و مأموران فرمانداری نظامی حق بازپرسی و توقیف هر مظنون را دارند...»

عقال ساواک به منازل و مراکز علمی و فرهنگی ریخته، شخصیت‌های ملی و مذهبی را دستگیر و در یورش شبانه به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران، صدها دانشجو را بازداشت می‌کند.

علیرغم اعلام حکومت نظامی، مردم از صبح روز ۱۶ خرداد، با فریاد «مرگ پرنشانه مسلمان کش» و «مرگ بر دیکتاتور خونخوار» به خیابانها ریخته و با خشم انقلابی به کامیونهای نظامی و زره‌پوشها حمله کرده و تعدادی از آنها را به آتش می‌کشند. روز ۱۶ خرداد نیز، تهران کشتار گاه مردم به دفاع میشود.

### ۱۷ خرداد ۴۲

علم «نخست‌وزیر» وقت، که نهمینت را، با معیارهای طاغوتی خود، شکست خورده و پایان یافته تلقی می‌کرد، در مصاحبه با خبرنگاران خارجی، در نهایت پستی، سعی می‌کند مردمان بی‌خاسته و مدافعین راستین استقلال و آزادی میهن را، وابسته به بیگانه معرفی نماید. او درباره مجازات رهبران نهمینت می‌گوید:

«۱۵ نفر از بزرگترین پیشوایان مذهبی، بزودی محاکمه نظامی خواهند شد، و محاکمه نظامی ممکن است معنی مجازات اعدام داشته باشد.»

قدرتهای سلطه‌گر جهانی، که از گسترش ابعد حرکت اسلامی در بین خلقهای مستضعف جهانی، وحشت داشتند، از طریق وسایل تبلیغاتی وسیع خود، دست به تحریف محتوی و چهره خونین قیام مردم مسلمان ایران در ۱۵ خرداد، می‌زنند. روزنامه «ایزوتی» ارگان دولت شوروی در ۱۷ خرداد ۴۲ (۷ ژوئن ۴۳) با عبارات زیر از شاه حمایت می‌کند:

«... در تهران و مشهد و قم و ری به تحریک عده‌ای از روحانیون مرتجع مسلمان آشوب و بلوائی پیرا شده... آشوب‌طلبان برای مبارزه علیه اصلاحات ارضی دولت از ایام سوگوازی مرگ موسی... استفاده نموده و عده‌ای از جوانان متعصب عقب افتاده چند مغازه را و چند اتوبیل را واژگون کردند»

در مقاله ۱۷ خرداد مجله لوموند، تحت عنوان «دخالت مصر»، از قول پاکروان رئیس سازمان «امینت» وقت، آمده است: «هدف آیت‌الله خمینی، رئیس توطئه گران، با همدستی علمای خارجی ایستادگی، میخواهد خود را مرجع شیعیان گرداند...»

از قیام ۱۵ خرداد خلقهای ستم کشیده و آگاه و علمای متعهد کشورهای مستضعف حمایت میدیدند می‌کنند. باید هم چنین باشد. بیروزی با شکست خلقی مستضعف در یک گوشه از جهان، بیروزی با شکست خلقهای مستضعف در جهان نیز، هست.

مروح شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه «الازهر» طسّی اعلامیه‌ای از علمای مجاهد ایران پشتیبانی می‌کند. وی تلگرافی نیز به‌شاه مخابره می‌کند، و رسماً خواستار عدم تجاوز به حریم اسلام و علمای مسلمان می‌گردد.

پشتیبانی و حمایت علمای اسلام از اسام، تنها به صدور اعلامیه و تلگراف محدود نمی‌شود. بلکه روحانیون برای هماهنگی امور در جهت آزادی بی‌قید و شرط ایشان، به تهران آمده، پس از یک سلسله نشست از طریق نماینده‌ای، از «شاه» ملاقات با اسام را خواستار می‌شوند.

بسیاری از روحانیون و دیگر مبارزین، که ادامه شور انقلابی مردم را ضروری می‌دانستند، پیشهاد می‌کردند که به تکرانی عمومی در مورد سر نوشت اسام، نباید پایان داده شود. به هر حال، با آگاهی از خبر سلامت اسام، از تشنج عمومی، تا حدودی گسسته میشود. بازار باز می‌گردد و پسته و روان پس از ۱۴ روز اعتصاب، کنار خود را از سر می‌گیرند.

### شایعه تبعید رهبران

رژیم پس از آنکه در نقشه محاکمه و اعدام پانزده رهبر دینی، پدید فتنار مردم، شکست می‌خورد، تبعید امام خمینی «آیت‌الله محلاتی» و قمی را شایع می‌کند. جامعه روحانیت، با اتخاذ تاکتیک مناسب، بدون آنکه از در سازش با رژیم درآید، با صدور اعلامیه‌ای، توطئه رژیم را افشا می‌کند و تمام مسلمین دنیا و افراد آزاده، در جهت خشنی کردن منظور اهریمنی شاه، استمداد کرد. با تلاش جامعه روحانیت مترقی، و پشتیبانی بیدریغ و بدون قید و شرط توده‌های مسلمان از قائد بزرگ، شاه باز مجبور به عقب‌نشینی میشود. امام به‌ظاهر از زندان «آزاد» ولی رژیم ایشانرا همیشه تحت نظر داشت. امام روز جمعه ۱۶ مرداد ۴۲ از زندان پادگان عشرت آباد به «داوین» در ۱۲ کیلومتری تهران مستقل میشود. محل اقامت مجاهد اعظم، به شدت تحت نظر مأموران «امینت» شاه قرار دارد.

پس از این انتقال از زندان به محل جدید بندری از شور انقلابی توده‌های مردم گسسته میشود. متأسفانه، رهبران روحانی هم، اقدام مشخص و ضروری در جهت حفظ روحیه انقلابی در توده مردم نمی‌کنند. موضع‌گیری در برابر «انقلاب سفید» شاه، که میتوانست در این راه مورد استفاده قرار گیرد، مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و توده مردم دچار پلنگی می‌گردد.

### بقیه در صفحه ۷

### بقیه از صفحه ۱ ارتش را فراموش

مصرف غرب و مؤسسات بانکی غارتگر و...

۲ - حکومت دیکتاتوری و سیاست سازگاری سیاسی استبدادی حاکم بر جامعه، که شاه در رأس آن قرار داشت و سلسله مراتب استبدادی تا اندامهای پائین جامعه در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و... گسترده بود.

۳ - ارتش بعنوان ماشین سرکوبی در دست طبقه حاکمه (که شاه و دربار در رأس آن قرار داشتند) و حامی نظام فاسد گذشته که در یک کلیت دژ وظیفه برای آن در نظر گرفته شده بود.

الف - حفظ آرامش و امنیت ایران جهت هر چه آسان‌تر کردن غارت منابع و ثروتهای آن و حفظ سلطنت فاسد پهلوی و سرکوب هر نوع صدای آزادیخواهی و حرکتی که هدفش برهم‌زدن نظم حاکم و ایجاد مناسبات نوین بود.

ب - حفظ «ثبات» و «امنیت» خلیج فارس و دفاع از منافع اقتصادی و نظامی امپریالیسم جهانی در منطقه و سرکوب جنبشهای مردمی علیه نظامات حاکم و وابسته به آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی در خلیج، اقیانوس هند و این اواخر حتی ژنرال و شاخ آفریقا، لازم بتذکر است که هر یک از ارکان اصلی فوق‌الذکر، نهادهای وابسته بخود را در کنار خود ایجاد کرده و در زمینه‌های «قانونی» و «قضائی» دادگستری وابسته، در زمینه فرهنگی و آموزشی، نظام آموزشی و پرورش وابسته و... الخ، مشغول توجیه عملکرد نظام گذشته بودند.

دربار همراه سرمایه‌داران وابسته مستقر و امرای بالای ارتش در رأس این هرم مثلث القاعده قرار گرفته و سلسله مراتب طبقاتی تا مستضعفین کارگر و دهقان که در قاعده هرم قرار داشته، ادامه می‌یافت.

اکنون پس از واژگون شدن استبداد ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و قطع مستهی ایله فراقائی این هرم، چشم‌انداز شورانگیزی در برابر ملت ایران قرار دارد. حرکتی در جهت مخالف فرعونهای تاریخ که مردم زمین را بخش بخشی می‌کردند و در میان آنها اختلاف و تفرقه می‌افکندند. چشم‌انداز مبارزه با امپریالیسم، اما آیا مبارزه با امپریالیسم می‌تواند جدا از مبارزه با پایگاههای داخلی آن باشد؟ آیا صرفاً مانورهای سیاسی و سخنرانی‌های آتشین

دولت متحرک و روی کار آوردن یک قلد نظامی مانند رضاخان و بلاخره ایجاد یک ارتش مزدور پابگانه مطمنی در برابر حرکت‌های مردمی و آزادیخواهی، بدست آورد. در همین رابطه در سال ۱۲۹۹ رضاخان با یک کودتای انگلیسی روی کار آمد و در رأس ارتش قرار گرفت و ارتش ضد خلقی نوین را پایه‌گذاری کرد. منظور از ذکر این شرح اجمالی همانا تأکید بر این امر است که همواره تشکیل ارتش منظم با دخالت مستشاران بیگانه، هدفی جز سرآوردن خواسته‌های استعماری دول بیگانه نداشتند و در خدمت منافع اقتصادی و سیاسی آنان بوده است.

علاوه بر این، اپرای نیز می‌دانیم که هرگونه سازماندهی و تشکیلی بدون توجه به هدف‌های مرحله‌ای و درازمدت آن تشکل نیز، امکان‌پذیر نیست. بنابراین نوع سازماندهی و سلسله مراتب ارتش ایران نیز همواره مطابق با اهداف فوق‌الذکر بوده است. در قسمت ضوابط حاکم بر ارتش شاهنشاهی در این باره بیشتر توضیح خواهیم داد.

### ادامه دارد

**بقیه از صفحه ۱**  
**بافت کارخانه:**

این کارخانه دارای ۵۰۰ الی ۶۰۰ کارگر و کارمند رسمی و قراردادی می‌باشد که اکثر کارگران آن را کارگران غرب و لر و ارکانی تشکیل می‌دهند و اغلب آنان بی‌سواد می‌باشند. و عده‌ای که دارای سواد هستند نیز مدرکشان از ششم ابتدایی تجاوز نمی‌کند. کارگران بیگز از مدت تصفیه شکر، روزی ۱۲ ساعت بطور روزمزد کار می‌کنند و هیچک از روزهای هفته را نیز تعطیل نمی‌باشند. اما در موقع تصفیه شکر ساعت کار به ۸ ساعت تنزل پیدا می‌کند. حقوق کارگران بسیار پائین می‌باشد و هنوز هم کسانی هستند که کار روزی ۲۰ تا ۳۰ تومان مشغول بکارند. و علت اینکه هیچگونه اعتراضی هم نسبت به این امر واقع نمی‌شد، وجود عوامل شناخته شده‌ای که قبلاً سهامدار بوده و همچنین ارتباط نزدیک و مستمر رئیس ساواک اهواز (زند و کیلی) با این کارخانه بوده است. (وجود عکسهای عوامل ساواک در بزمهایی که در این کارخانه برپا می‌شده اطمینان ما را در این مورد بیشتر می‌کند.)

### سهامداران کارخانه:

- ۱ - ابونصر عسند، یکی از شاهزادگان قاجار که اهل اراک است و با ۷۵ میلیون ارز از ایران خارج شده است.
  - ۲ - بنیاد پهلوی سابق
  - ۳ - ارتش
  - ۴ - آتابای و بعضی عوامل دیگر رژیم.
- در حال حاضر کارخانه به بنیاد مستضعفین وابسته است.

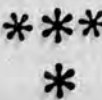
مشکلات و سائل کارگری:

۱ - بیش از ۱۰ کارگران را کارگران بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند.

۲ - کارگران، چند سال اول را بطور قراردادی کار می‌کنند و سپس به‌استخدام رسمی در می‌آیند. در حال حاضر حداقل حقوق کارگران قراردادی ۲۲۸ ریال و کارگران رسمی ۳۵۰ ریال در روز می‌باشد. عده‌ای از کارگران که سابقه کارشان بین ۱۰ تا ۲۰ سال است، اخراج گشته‌اند و در موقع تصفیه حساب فقط به اندازه ۲ روز حقوق به آنها پرداخت شده است. تعداد معدودی خانه که برای کارگران در نظر گرفته شده (که بیشتر به‌لانه تشبه هستند) دارای وضع رقت‌باری هستند. (بخصوص از نظر جاههای فاضلاب) هر وقت که کارگران حرف از حقوق و سود و سوز می‌زنند آقای حاج طرخانی، که مسئولیت کارخانه به‌عهده ایشان است، می‌گوید این مال مستضعفین است و پول نباید خرج کرد.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران تصفیه شکر اهواز نمایندگی به کمیته کار و امور اجتماعی اسام فرستادند تا به اوضاع کارخانه رسیدگی شود. در نتیجه با سعی و کوشش برادران کمیته امام و برادران کارگر، شورای کارخانه از طریق انتخابات تشکیل شده است. شورا با همکاری کمیته امام تا کنون کارهای زیر را انجام داده است:

- ۱ - اخراج پنج نفر از عوامل رژیم سابق
- ۲ - کم کردن ضایعات کارخانه و بلا برودن راندمان تولید.
- ۳ - ایجاد کتابخانه اسلامی در کارخانه
- ۴ - استخدام ۱۲۰ کارگر جدید.



# نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع



# اشهد شهیدان

بنام خداوند مستضعفان بنام خداوند مهاجران بنام خداوند مجاهدان و بنام خداوند شهیدان  
والذین هاجر وافى اليهم من بعد ما ظلموا آلئیسینهم فی الدنيا حسنة ولأجر الاخرة اکبر لو كانوا یعلمون  
«ای جامه خویش فرو پیچیده، بر خیز و جامه ات را پاکیزه ساز و پلیدی را هجرت کن»  
«آنکه آهنگ هجرت از خویش کرده است با مرگ آغاز می کند...»

«هجرت آغاز شده است و میدان این آتش گه اکنون چنین دیوانه وار در من سربرداشته نه یک حریق است، که آتش کاروان است، آتشی که برهه می ماند و کاروان می گذرد، این کفش تنگ و بی تابی فرار، عشق آن سفر بسوزد، آه چه می کنی! چه خیال انگیز و جانیخت است اینجا نبود!»  
هنگام تحلیل علمی اندیشه های شریعی و خلاقیت توین مکتبی وی در خط اسلام نبوی و تشیع سرخ علوی در این مختصر نیست.

لیکن در فصل سازندگی، ما نیازمند شناخت انسانهای اصیل و رهروان و دوستان و ادامه دهندگان نهضت شریعی هستیم آنانکه با انکاه، به نیروی لایزال خالق که در یازوی خلق بودیم گذشته شده، طاقتهای سه گانه تسامی اعصاب، زره، زور، و تزویر را بر سزانو در آورده و نامحو کامل آنان مبارزه خواهند کرد. امروز طلبه ها و دانشجویان شعار «طلبه، دانشجو پیوندتان مبارک» را بنیایه شعار «اسلام پیروست، ارتجاع نابود است» و بمنظور افشاکاری مواضع مرتجعین راست و فرصت طلبان چپان، مطرح می کنند و این میتواند قمنی باشد در جهت، تحقق وحدت نیروها بمنظور مبارزه مکتبی علیه، امپریالیسم جهانی... بر شمرند خصائص شریعی پس از زندان ورق آخر کتاب زندگی وی از ۵۴ تا ۵۶ یعنی پس از فتنه و بلا، فتنه و بلائی که خالص را از ناخالص متمایز میکند، پس از زندان یعنی پس از مرحله ایکه دهانش را بستند و دستش را قلم کردند ولی قلمش را... هرگز ضروریست

چرا که قلم منقی، همچون سلاح مجاهد، «توتم من است، توتم ماست بقلم سوگند، بدست زورش تسلیم نمی کنم و؛ کیسه زرش نمی بخشم و به سر انگشت تزویرش نمی سپارم، دستم را قلم می کنم و قلم را از دست نمی دهم»، و اما در هجرت، هجرت از خویش، از زندان چهارم انسان، از تمامی وابستگیهای که سزاه فلاح اند؛ آنگاه که تنها سفر می کنی و دلت از عشق به الله و عیال الله - خلق و - کینه به ایلیس و کافر زمان - امپریالیسم - ضد خلق، آکنده است به «قهر» معتقد میشوی، قهر انقلابی - پس از زندان اعتلای جهاد شریعی بود.

قُلْ یا ایها الکافرین - امپریالیستها بدانید - لا اعدی ما تعبدون و... هر گز بسین ما و شما رابطه ای مسالمت آمیز وجود ندارد آنچه که هست قهر انقلابی است و هیچگاه روش ضد خلقی شما را بصورت مسالمت آمیز پاسخگو نیستیم.

فرانسیس فانون در مضمون بین زمین که معلم شهید بخش آخرش را، در آغاز یک نهضت انقلابی اسلامی ترجمه کرده است - از «قهر انقلابی» سخن میگوید: نجات ملی، تجدید حیات ملی بساز پس دادن عنوان ملت به مردم استعمار زده عناوین تازه و متداول دیگر از هر قبیل که باشند، این مسلم است که همواره، استعمار با قهر طرد شده است... در مزاج فرد انقلابی، «قهر» تریاکی است که ستمها را بی اثر می کند و در جایی دیگر میگوید: قهر، ملت را، تا مقلم رهبری اوج میدهد و بلا میبرد، و اما روشهایی که خصم در مقابل شریعی بر گزیده بود از یکسو، «سرکوب و تهدید» بود بطوریکه پس از آزادی و ملاقات با نمایندگان امام و طلاب و دانشجویان در مشهد، عطاپور او را دستگیر و بازجویی میکند و مدتی بعد او را به کمیته مسی سردو میگوید: علی رغم تلاشهای ما و دوستانمان (روحانی نماهایی که تجسم تزویرند) برای جمع آوری آثارت، علی رغم تمامی روشهایی که یکمک دوستان - ارتجاع - برای مزوی کردن تو بکار بردیم، کتابهایت در ایران، اروپا، آمریکا بر سرعت شکست انگیزی پخش میشود، اما ما نشانت خواهیم داد که اگر امام شده ای به نیت می کشیم و اگر بست شده ای مسی شکستیم، او پاسخ می دهد:

(من همین الان هم زندگی ندارم، مرا بکشید)، و دومین شیوه ایکه دشمن برای درهم کوبیدن شریعی بکار می برد، لوٹ کردن شخصیت وی بود، با چاپ مقالات دستبرد زده وی از دانشکده مشهد که مباحثاتی بود درباره مارکسیسم، با طرح مسایل تحریف شده می خواست بشفع خود استفاده کند و تضاد خلق و امپریالیسم را که اصلترین تضاد میباشد بگونه ای دیگر جلوه دهد و مبارزات خلقمان را به کوره راههای

انحرافی کشانده و بزعم خود، سبب نجات امپریالیستها و بوکرائش گردد. رژیم می خواست با بهره برداری از مقالات دکتر سحت عنوان شه ساخته «اسلام ضد مارکسیسم» اذهان را از تضاد اصلی نهضت منحرف سازد. معلم می گفت: همانطوریکه در طب برای از میان بردن مرض باید بدن را تقویت نمود و نه از راه تزریق دارو و یا بصورت غیر اصولی، همانطور بجای مشغول شدن با رقیب، باید به خود پرداخت. او قلمش را در راه بر انداختن کمونیسم - مترسکی که رژیم گذشته مطرح کرده بود - بکار نبرد، بلکه کوشید تا ارتجاعی را که طی سالیان دراز حاکمیت شرک بالاخص پس از سلطنت صفویه با اسلام و تشیع در آمیخته بود و اسلام صفوی را بمرم عرضه میکرد، بزداید.

در زمانیکه بگفته کاشف اللفاظ خطاب به جمعیت دوستداران امریکا میگوید این شما بودید که سرزمینهای ما را غصب کردید نه شوروی آری در همین زمان، برخی با زبان اسلام، با این توجیه که اگر با رژیم مبارزه کنیم برفع مارکسیستها تمام می شود، پداسن تسلیم طلبی افتادند. اما شریعی بخاطر مواضع اصولی و مکتبی اش و همچنین بخاطر قاطعیتش در امر مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع، بیشترین وحشت را در دل دشمن آفرید و از ایستو حتی در خانه اش آمان نداشت و شعله های خفقان از دیوارهای آتافش بالا میرفت.

فالدین ها جرو و آخرچو ان دیارهم و آذوافی سبیلی و قاتلو و قتلوا لاکفرن عنهم سیتانهم و... موضع دقیق او در مقابل ایدئولوژی رقیب و روش احسن او بر علیه فاسطین [امپریالیسم و استبداد] مارقین [ارتجاع و استعمار] و ناکتین [فرصت طلبان چپینما] باعث شد که از همه سو (دشمنان عاقل و دوستان نادان) علی گونه، مورد هجوم قرار گیرد و به تعبیر برادر مجاهدان «اشهد» بخواند آنچه نه در مقابل «دشمنان» که «دوستان»

اشهد شهیدان شهادتی است که در بازگشت خناس (ضد انقلاب)، بمنایه تیز انقلاب در انقلاب و بسعت مستمر در منطق کسانیکه «چگونه مردن» را انتخاب کرده اند، بمنظور «چگونه زیستن» مطرح شده است. در چنین روزگاری که «مردن» برای یک مرد، تضمین «حیات» یک ملت است.

و معلم ما نیز با هجرت اش، مرگ سرخ و انتخاب کرد تا پیروانش را از مرگ سیاه برهاند و با شهادت خلق ما نیز پسان است وسطی ایستاد و انتخاب نمود «اشهد» خواند، لا اله الا الله، الله اکبر، با شهادت وی انقلاب ایران پس از ضربات سالیان، تجدید حیات یافت و روح وی به کالبد نیمه جان ملت ما دمید.

و اما امروز که ما گامی در راه عقب راندن کفار و مشرکین برداشته ایم باید هشداریم که فاسجه تکرار نگردد و تنسن اموی در چهره اسلام غالب نگردد و دیگر بار علی همیشه تنها را نتهاز نگذاریم، و خلافت اموی به خلافت عباسی تبدیل نگردد، من مشر و سواس الخناس، الذی یوسوس فی صدور الناس، و با وحدتی مکتبی اسلام نسوی و علوی را پاسداریم و از شر «رب» «ملک»، «اله»، به الله پناه بریم.

والسلام.  
خلاصه ای از سخنرانی احسان شریعی در مراسم سالروز هجرت معلم شهید دکتر علی شریعی در دانشگاه تهران

## دقتای نویسنده کار اخبار را مثله نفرمائید

در ص اول شماره ۱۲ سال اول نشریه «کار» ارگان سازمانی چریکهای فدائی خلق مورخ ۲ خرداد ۱۳۵۸، یا نوشته ای تحت عنوان: شورای اسکان گودنشینان بر خوردم. سرور از تفاهم «رفقا» که بالاخره دست به انتشار گزارشی از فعالیتهای شبانه روزی نزدیک بعد ماه گروهی از خواهران و برادران زده و نشانی داده اند آنچه ان که عنوان میشود دچار فتره گرائی نمیباشند، شروع به مطالعه نوشته فوق نمود.

در استاده از اختلاف طبقاتی و استعمار رنجبران سخن رفته بود و سپس گزارش انتخابات شورای اسکان گودنشینان تهران، در چند سطر بشکل ناقص، مثله شده و سانسور شده درج گردیده بود و در یک صفحه از مشکلات و دردها و کمبودهای گودنشینان سخن رفته بود.  
قبل از هر چیز از آنکه خوشحالی چند دقیقه قبل از میان رفته و جایش را الم و ناراحتی و چندین علامت تعجب و استهفام گرفته بود متاثر شدم.  
از خود سؤال کردم که آیا مگر «رفقا» گزارش مندرج در نشریه «امت» مورخ ۱۹ اردیبهشت ۵۸ درباره گودنشینان جنوب تهران و چگونگی برگزاری نخستین انتخابات شورای گودها را مطالعه نفرموده اند؟

## از محرم تا محرم

محرم ماه خون ماه قیام بستیهای ما حسین آغاز میگردد.

و ما بویندگان راه حق امسال درون محبس دژخیم استعمار با شوری دگر این ماه را تعظیم میداریم می اندیشیم در تاریخ و می بینیم که شمس انقلاب کربلا همواره تابانست و در هر سالگری از محرم پستون روشننگر راه جهاد هر مسلمانست  
جهاد حق علیه ظلم نبرد خلق با عمال استعمار

\*\*\*

بیاد آریم آن ماه محرم نیمه خرداد خروش ختم انسانهای آزاده خمینی و ... خمینی ها دلیری و دلیریها و در این راه چندی بعد امنی و بخارانی سعیدی و سعیدیها و همزمان و پارانی چون اسکندر صفایی، سالمی پویان کتیرایی و همراهان

دلیرانی که در راه نجات خلق جان خود فدا کردند و «احمد» اولین یار شهید ما آری باز می بینیم که شمس انقلاب کربلا همواره تابانست

و اکنون ما و استمرار امر انقلاب حق و میگوئیم «حسین» ای انقلابی مرد آزاده بخون اظهرت سوگند به عزم راست سوگند که ما هرگز نیاسائیم از بیرون راهت که ما هرگز نیاسائیم از بیرون راهت «سروده شده یکی از شهداء دوم محرم ۱۳۹۲

\*\*\*

در صورت منفی بودن پاسخ، آیا «رفقا» اخبار منتشره سایر نشریات را در این سزاه نیز مطالعه نکرده اند؟

باز هم در صورت منفی بودن پاسخ، سؤال میکنم که آیا «رفقا» به مصاحبه تلویزیونی یکی از برادران مؤسس شورای گودنشینان که مشروحاً انگیزه و هدف کوششهای صادقانه خواهران و برادرانش را در خدمت به گودنشینان و اجرای اصل قرآنی «شورا» توضیح داد، گوش فرا نداده اند؟

و اگر باز هم نجاهل کنند، از «رفقا» که در سخن از بهر رنجبران سینه چاک میکنند سؤال میکنم:

- آیا در ۵۰ روز اخیر سری به گودنشینان جنوب تهران زده اید تا شاهد فعالیت ستوانه خواهران و برادرانی باشید که عاشقانه خدمت به مستضعفین را وظیفه اسلامی خود دانسته و بجای آنکه همچون شما در دوران گذر از سلطه امپریالیسم و سرنگونی رژیم مستبد ۲۵۰۰ ساله سلطنتی به دوران استقلال، آزادی و حکومت مردمی که کشور نیاز به سختکوشی و فعالیت مستمر و پیگر و تولید هر چه بیشتر فرزندان خود دارد تا بتواند توطئه های ضد انقلابی را خنثی سازد، هر روز تحت عنوان «دیلم بیکار»، «کسار بیکار» دست به تنصص بزنند، یا داشتن مدارک عالی تحصیلی بدون هیچگونه چشمداشتی کمر به خدمت خلق بسته اند، باشد؟

در صورت بافشاریتان بر عدم اطلاع شما اجازه دهید سؤال کنیم که شما چگونه پیشاهنگانی هستید که از مسائل ارتباط جمعی میهنان (مطبوعات، رادیو تلویزیون) بی اطلاع میباشید و ...

لیکن «رفقا» حقیقت را بگوئیم، شما هم گزارش «امت» را خوانده اید و هم سایر نشریات را که در بین باب قلم زده اند و هم مصاحبه تلویزیونی برادرمان را مشاهده فرموده اید، لیکن چون واقعیات عالم خارج و پیشنازی حرکت انقلابی اسلامی آرامش ذهنیات شما را برآشفته و با ذهنیات از پیش ساخته قالبی قادر به درک و توجیه منطقی بی آمدهای انقلاب خلق نمیباشید؛ مجبور به قلب و سانسور و مثله ساختن اخبار مبارزات خلق میگردد.

امید آنکه با ایمان به حقایق خارج از ذهنان از گرداب ایده آلیم رهائی یافته و به ساحل نجات حقیقت ره یابید.

\*\*\*

# انقلاب اسلامی و وسایل ارتباط جمعی

می ناساند و هم غایب حیط و خطاهای را که بنام آنها صورت گرفته است با روش با سکونی رهاییت آسیر، دیگر گونه مینماید چنانکه آیت الله کاشانی را بی هیچ یادی از اشتباهاتش در آخر کار، قهرمان مبارزات ملی معرفی میکند و نواب صفوی را سرمتشی برای جوانان مجاهد منب ما قرار میدهد و آنگاه حتی یک بررسی عمیق درباره تفکرات و فعالیتها و مبارزات دکتر شریعی و حیف نژاد و سعید محسن عرضه نمیدارد.

این بیان واقعت نهضت نیست که باید برای نسلها رهنمود انقلابی باشد. فیلدهای سیمانی اغلب جولانگاه کشتن است. آیا واقعاً این قماش فیلدها میتواند در بیان ماهیت اسلام نقش داشته باشند؟

باری اینچنین است که افکار عمومی سرای تسلیم طلبی و افشاش و سبزی از انقلاب فراهم میگردد. نسل ما و نسل آینده و خون شهدا و قلب خانواده های داغدار این ملت رزمنده ایرا هرگز خواهد بخشید.

بطور کلی ما ضعف وسایل ارتباط جمعی را در خدمت به انقلاب ناشی از دو مسئله میدانیم:

۱ - عدم شناخت انقلاب اسلامی که ناشی از عدم شناخت پیشروان راستین اسلام و نقش آنان در مبارزات صدوچند ساله اخیر میباشد.

در اثر این جدالی و عدم شناخت است که بیرخورد مطبوعات با پیشروان فکر اسلامی نه تنها دوستانه نیست بلکه گاهی اوقات مایه های خصمانه هم دارد.

۲ - کوبها دادن به خطرات ناشی از امپریالیسم. در این موقعیت خطیر جهانی که هر دو ابرقدرت برای مطامع خود دندان نیز کرده اند حسرت آور است وقتی بدانیم که اعلامیه های احزاب و روزنامه های طاق و جفت هم اغلب در این زمینه غیر فعال است و اینجاست که به خطر عظیمی که ما را تهدید میکند واقف میشویم.

در این میان فقط رهبر انقلاب قاطعانه همواره و مصرانه بر استقلال کشورمان تأکید مینماید و خطر ابرقدرتها را همواره یادآوری می فرماید. برچم استقلال که بر دوش امام خمینی است و بدست او برافراشته گشته است چون خاری بر چشم دشمنان ملت ما میگذلد.

باید در بسیج هر چه بیشتر مردم بسزیر این سرچم بگوئیم

\*\*\*



# با پشتیبانی از دادگاههای انقلابی، پیروزی انقلاب را تضمین کنیم



امامت ...

همان حالات و فعل و افعالات درونی و بیرونی پدید می‌آید...

پس مقاومت و شکیبایی آنان سبب شد تا شایستگی برگزیده شدن، پیشوایی و امامت را کسب کنند...

لذا بر طبق اصل قرآنی «کل نفس بما کسبت رهیه» هر کس تنها مدیون صفات است...

نیاز به امام گنیم تا نیازی نباشد، پاسخی نخواهد بود...

بروز استعداد هم معلول تلاش و حرکت موجود است...

پس و ایستگی طفل به‌عبارت، عامل رکود نیست که سبب رشد و کمال است...

هدف آفرین و انگیزه‌ساز است، در زندگی این احساس را به‌کرات تجربه کرده‌ایم...

در اواخر اسفند ۱۳۵۷، شورای انقلاب اسلامی طی تصویب‌نامه‌ای مالیاتها را از سال ۴۶ تا لغایت عملکرد ۱۳۵۵...

در گفتگویی که با برادران کارمند حوزه ۷۴۲ مالیاتی آقایان: مهاجر، احمد کسبانی، ایرج علی پورصدری و میر اسماعیلی...

می‌گیرد، آرزوها بیدار می‌شوند یعنی از پیش سالفه وجود دارند...

امام با نیتی که در آگاه کردن ما بر استعدادها و بسط کردن آرزوها و شعله‌ور کردن آتش اشتیاق در انسان بازی میکند...

که بروهایی او را جوی می‌راند... و ظلمانی حیات در جستجوی نوری است...

هر شخص و هر امری بسوی هدفی در حرکت است و مقصدی در پیش دارد...

۱) هل علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً - الانسان ۱

۲) ولقد اخرجکم من بطون امهاتکم لانتعلمون شیئاً

۳) موج زخود رسته‌ای نیز خرامید و گفت - هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم

۴) وجعلنا هم ائمة یهدون بامرنا... انبیاء ۷۳ (در شماره قبل شماره ۴ به جای انبیاء انعام چاپ شده بود)

۵) وجعلنا هم ائمة یدعون الی التار و یوم القیامه لاینفرون - قصص ۲۱

\*\*\*

گزارش کوتاهی از حوزه مالیاتی کل مشاغل کد ۷

باین مسئله صلاح امت نیست که بر اساس تقسیم‌بندی دوران طاغوت عمل شود...

میکنند، لیکن بهیچوجه حاضر به شرکت در پرداخت مخارج این کشور نمی‌باشند...

\*\*\*



# پیرامون تظاهرات ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی جمعه ۴ خرداد

«آمریکا و دیگر ابرقدرتها بداند ملت ما زنده است، اجتماعات عظیم این دو سه روز شاهد زنده بودن انقلاب است.»

امام خمینی در پی تبلیغات و حملات وسیع و سازمان یافته سناي آمریکا و دولت امپریالیستی آن کشور علیه انقلاب اسلامی خلق قهرمان ما و همچنین علیه دادگاههای انقلابی و دفاع از جنایتکارانی که عامل حفظ و تداوم غارت منابع زیرزمینی و انسانی مسیبن ما بنفع سرمایه‌داری جهانی رهبری امپریالیسم آمریکا و پس از سخنرانی‌های قاطع و انقلابی امام خمینی و افتخار مایهت این توپ‌ها که در لفافه «دفاع از حقوق بشر» انجام میگرفت و بیان این حقیقت که «رابطه ایران با آمریکا رابطه مظلوم با ظالم است» و همچنین بیان این رهنمود انقلابی که: «ایران نیازی به رابطه با آمریکا ندارد» و تبیین علت‌العلل این هیاهو در چند کلمه موجز و دقیق: «مجالس آمریکا ما را محکوم میکند برای اینکه آن داغی که بعد از آمریکا وارد شده است بوسیله این نهضت، بعد هیچکس وارد نشد.» خلق قهرمان ما یکبار دیگر در سرتاسر کشور جهت محکوم ساختن امپریالیسم آمریکا و عمال وابسته آن و در تأیید انقلاب اسلامی ایران و رهبری قاطع آن، «امام خمینی» و همچنین برای پشتیبانی از احکام دادگاههای انقلاب اسلامی صادره علیه عمال آمریکا و شاه خائن در تیروهای نظامی و سازمان فاشیستی «اسنیت» و سرمایه‌داران وابسته، یکپارچه قیام و فریاد خوش‌آهنگ «مرگ بر امپریالیسم آمریکا» را در چهار سوی وطنمان طنین افکند.

در تهران از جانب «کارگران، دانش‌آموزان و دانشجویان مسلمان»، «جنبش مسلمانان مبارز» و... روز جمعه جهت راهبیمانی و تظاهرات علیه امپریالیسم آمریکا اعلام گردید. سپس «حزب جمهوری اسلامی» دعوت‌نامه‌ای برای پنجشنبه بعد از ظهر پخش نمود. «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» نیز هواخواهان خود را به شرکت در تظاهرات پنجشنبه و جمعه فرا خواند. «حزب جمهوری خلق مسلمان ایران» نیز برای روز پنجشنبه بعد از ظهر همزمان با تظاهرات «حزب جمهوری اسلامی» مردم را به تظاهرات در میدان «حمر» دعوت نمود.

نهران همچون سرتاسر ایران در هفته (۲۹ اردیبهشت تا ۴ خرداد) خصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه شاهد بزرگترین تظاهرات علیه غارتگران آمریکائی و عمال صهیونیستی و ارتجاعی آنان بود. میلیونها ایرانی با مشت‌های گره‌کرده فریاد بر می‌آوردند:

«خلق ما پیروز است، آمریکا نابود است.»  
«کالای آمریکائی تحریم باید گردد، صهیونیست، صهیونیست نابود باید گردد.»  
«سفارت آمریکا تعطیل باید گردد فلسطین، فلسطین آزاد باید گردد.»  
«سرمایه وابسته آزاد باید گردد.»  
«دادگاه انقلابی پیام عادل خلقی.»  
«سنای آمریکائی ندای صهیونیستی.»  
«خلق ما پیروز است.»  
«آمریکا نابود است.»  
«درد بر خمینی، سلام بر طالقانی.»  
«خلق ما پیروز است.»  
«امریکا، اسرائیل دشمنان خلق ما فلسطین، ارتیره متحد خلق ما»  
«اعدام انقلابی تکوین انقلاب است»  
«دادگاههای انقلاب مظهر عدل و دادند آمریکا و صهیونیسم آتمکش و جلادند.»  
«دشمن دین و ملت»  
در پیشگاه ملت اعدام باید گردد غارتگران دنیا در رأس آن آمریکا نابود باید گردد»

و... و هزاران پلاکارد که بر روی آنها جملاتی از امام خمینی و یا شعارهایی علیه امپریالیسم آمریکا و در دفاع از دادگاههای انقلاب بهتر از در آمده بود. شرکت وسیع توده‌های مردم از کارگر و دانشجویان دانش‌آموز و کارمند و پیشرو، زن و مرد، پیر و جوان و

در آورند. در صورت عدم توافق بر روی شعارهای واحد، پیشنهاد میکنیم تا هر گروه با حفظ استقلال سازمانی یا پذیرش روز، ساعت، مسیر و انتظامات مشترک، در صفوف هوادارانش شعارهای مورد قبول خود را مطرح سازد.

۲- در باره‌ای از نقاط نسبت به گروههای غیر اسلامی متأسفانه از جانب عناصر مشکوک و افراد ناسآگاه پسرخوردی‌ها، ناسانجانار و غیر اسلامی و ضدانسانی‌ای رخ داد. ما با علم بر این حقیقت که این گروه‌ها خود با اعمال سنجیده و نابخردانه و فرصت طلبانه و حتی گاهی ضد انقلابی و بعبارة برخواستن علیه آرمانهای توده‌های زحمتکش مسیبن ما، نقش اساسی را در ایجاد چنین زمینه‌های برخورد، داشته‌اند، لیکن بعنوان مسلمان و بعنوان مقلدین امام خمینی که کراراً اظهار فرموده‌اند: «در جمهوری اسلامی آزادی بیان وجود دارد» بهیچوجه نسبتاً موافق با چنین برخوردی‌ها ناسالم و غلط باشیم. خصوصاً آنکه عوامل امپریالیسم و ارتجاع نیز مترصدند تا چنین برخوردهائی را ایجاد و از آن در جهت منافع خود سود بجویند. پیشگیری از تکرار این نوع مسائل در گروه‌های مبارز مردم مسیبن ما و هشدار رهبری اصل اسلامی به‌توده ما و وجود انتظامات گسار آمد و دقتی در راه‌یابیها و اجتماعات مینابند.

مطلب شیلی چه پاسخی به‌این سؤال میتواند بدهد که: «آیا دولت مصلی آئند، قربانی حمله و خنوتت بین‌المللی (دخالت امپریالیسم) شد؟» نتیجه این هجوم و دخالت دولتهای استعمارگر بین‌المللی، ایجاد دولت فیکتی بود که سالهاست بر سرنوشته مردم شیلی حاکم است.

آیا اجرای بی‌پرده و بدون اهامه قوانین ضد انسانی نیست که ساعت میشود یوری اورلوف ۷ سال به‌اردوگاه کار اجباری و به‌دنبال آن ۵ سال به‌تبع‌دگاه فرستاده شود؟ در حقیقت تمام کوشش یوری اورلوف صرف آن میشد که دیکتاتوری هیأت حاکمه روسیه شوروی را افشا نماید.

آیا کشورهای اروپایی، که قرارداد پاسداری از حقوق بشر و آزادیهای اولیه انسانی را امضاء کرده‌اند، مسئولیت رعایت این حقوق را به‌سلیفته قانونگذاران محول نمیکند؟ آیا علناً امضای همین قراردادها، که ظاهراً برای رعایت حقوق توده‌هاست، به‌یک قانون جدید برای «سرکوبی تروریسم» منجر شده است؟ [در حالی‌که اشاعه تروریسم، نتیجه طبیعی عدم اجرای محتوای اصلی این قراردادهاست.]

مبارزه بر علیه ظلم و ستم در مجامع بین‌المللی که نمایندگان دول مشغول چانه زدن هستند، حقوق انسانها به‌صورت یک کالای صادراتی، به‌عنوان وسیله‌ای در راه سودگری و معامله سلحه و غارت منابع حیاتی جهان سوم، مورد بحث قرار می‌گیرد.

رستی، محتوای سیاست امپریالیسم بین‌المللی، با دلسوئی مزورانه آنان در مورد احترام به‌حقوق قسهی انسانها، مطابقت دارد؛ آیا دعوت از دولتهای مصلی و سازمان ملل، در مورد رعایت تعهدات خود نسبت به‌حقوق بشر، و تأکید بر اجرای آن، یک حيله و عوامفریبی جدید، در راه سرکوبی قیامها و حرکت‌های مردمی، و در نهایت امر برای حفظ منافع عظیم آنان در این کشورها نمی‌باشد؟

البته واژگونی و از بین بردن این اوضاع جهانی، (فقر شدید ملت‌ها، اختناق حاکم و عدم وجود آزادی و عدالت) به‌هیچ روی با «محترم شمردن» حقوق بشر و با تعهدات دیگر، ارتباطی ندارد. اجرای واقعی حقوق بشر، زمانی مقدور است که قبل از هر چیز، علل اساسی (که باعث شدند «حقوق بشر» به‌طور مسزورانه عنوان شود) از بین برده شوند، یعنی، ریشه‌های اقتصادی و سیاسی آن مبارزه برای رعایت حقوق بشر، الزاماً به‌جنگی بر علیه ظلم و ستم (اقتصادی و سیاسی) منجر میشود.

همچنانکه، این حقوق از آن تمام مردان و زنان می‌باشد، مبارزه بر علیه جور و ظلم نیز، وظیفه همه آنها می‌باشد. در این شرایط، هر کس نه تنها مسئول احقاق حق انسانهاست، بلکه مسئولیت مبارزه همه جانبه، بر علیه ایدئولوژیهای خودکامه و استبدادی را نیز، به‌عهده دارد.

مبارزه تبلیغاتی، فقط میتواند وجدان سیاسی عمومی را برانگیزد، که برای وادار کردن دولت به‌رعایت عدالت و آزادی در اداره کشور، کافی نیست؛ بلکه یک عمل جمعی، به‌صورت عدم اطاعت از قوانین دولتی و عدم همکاری با دولت، ضرورت دارد.

آنجکه از «حقوق بشر» در دسترس توده‌هاست، اعلامیه‌ای جهانی است که بر اساس و بسایه حقوق فرد، خانواده و جامعه تدوین یافته است. ظاهراً، اکثر دولتها امروزه خود را متعهد به‌محترم شمردن این حقوق اساسی، قلمداد مسم کنند. ولی در عمل این سیاست مسزورانه، وسیله‌ای شده است که خط مشی دول مزبور بر اساس آن هماهنگ گردد. هیچ دولتی در تأمین و تضمین نظم و امنیت داخلی، خود را مؤظف به رعایت این حقوق نمیداند. فقط هر دولت چهار چشمی مواظب دولت یا دولتهای دیگر است که کوچکترین خطا و انحراف او را از اعلامیه جهانی حقوق بشر، افشا نماید.

کلیه دولتهایی که خود قرارداد‌های بین‌المللی را رسماً تأیید و امضاء کرده‌اند، در عمل به‌این قراردادها پایبند نبوده و از اجرای آنها سر باز می‌زنند.

در اثر این نحوه عملکرد، خنوتت و ترور، در سینهها و نظامهای حکومتی ایجاد می‌گردد. متفایلاً، رؤسای دول، مردم را قاطعانه به رعایت حقوق بشر دعوت می‌کنند. ولی واضح است که این دعوت، به‌منظور حفظ و دفاع از منافع و قدرت دولت به‌عمل می‌آید، نه احترام به‌حقوق توده‌ها.

ملت شیلی چه پاسخی به‌این سؤال میتواند بدهد که: «آیا دولت مصلی آئند، قربانی حمله و خنوتت بین‌المللی (دخالت امپریالیسم) شد؟» نتیجه این هجوم و دخالت دولتهای استعمارگر بین‌المللی، ایجاد دولت فیکتی بود که سالهاست بر سرنوشته مردم شیلی حاکم است.

آیا اجرای بی‌پرده و بدون اهامه قوانین ضد انسانی نیست که ساعت میشود یوری اورلوف ۷ سال به‌اردوگاه کار اجباری و به‌دنبال آن ۵ سال به‌تبع‌دگاه فرستاده شود؟ در حقیقت تمام کوشش یوری اورلوف صرف آن میشد که دیکتاتوری هیأت حاکمه روسیه شوروی را افشا نماید.

آیا کشورهای اروپایی، که قرارداد پاسداری از حقوق بشر و آزادیهای اولیه انسانی را امضاء کرده‌اند، مسئولیت رعایت این حقوق را به‌سلیفته قانونگذاران محول نمیکند؟ آیا علناً امضای همین قراردادها، که ظاهراً برای رعایت حقوق توده‌هاست، به‌یک قانون جدید برای «سرکوبی تروریسم» منجر شده است؟ [در حالی‌که اشاعه تروریسم، نتیجه طبیعی عدم اجرای محتوای اصلی این قراردادهاست.]

مبارزه بر علیه ظلم و ستم در مجامع بین‌المللی که نمایندگان دول مشغول چانه زدن هستند، حقوق انسانها به‌صورت یک کالای صادراتی، به‌عنوان وسیله‌ای در راه سودگری و معامله سلحه و غارت منابع حیاتی جهان سوم، مورد بحث قرار می‌گیرد.

رستی، محتوای سیاست امپریالیسم بین‌المللی، با دلسوئی مزورانه آنان در مورد احترام به‌حقوق قسهی انسانها، مطابقت دارد؛ آیا دعوت از دولتهای مصلی و سازمان ملل، در مورد رعایت تعهدات خود نسبت به‌حقوق بشر، و تأکید بر اجرای آن، یک حيله و عوامفریبی جدید، در راه سرکوبی قیامها و حرکت‌های مردمی، و در نهایت امر برای حفظ منافع عظیم آنان در این کشورها نمی‌باشد؟

البته واژگونی و از بین بردن این اوضاع جهانی، (فقر شدید ملت‌ها، اختناق حاکم و عدم وجود آزادی و عدالت) به‌هیچ روی با «محترم شمردن» حقوق بشر و با تعهدات دیگر، ارتباطی ندارد. اجرای واقعی حقوق بشر، زمانی مقدور است که قبل از هر چیز، علل اساسی (که باعث شدند «حقوق بشر» به‌طور مسزورانه عنوان شود) از بین برده شوند، یعنی، ریشه‌های اقتصادی و سیاسی آن مبارزه برای رعایت حقوق بشر، الزاماً به‌جنگی بر علیه ظلم و ستم (اقتصادی و سیاسی) منجر میشود.

همچنانکه، این حقوق از آن تمام مردان و زنان می‌باشد، مبارزه بر علیه جور و ظلم نیز، وظیفه همه آنها می‌باشد. در این شرایط، هر کس نه تنها مسئول احقاق حق انسانهاست، بلکه مسئولیت مبارزه همه جانبه، بر علیه ایدئولوژیهای خودکامه و استبدادی را نیز، به‌عهده دارد.

خدمت نظام وظیفه، به‌فروش سلحه فرانسوی به‌رژیم‌های نژادپرست با استبدادی «اعتراض اخلاقی» می‌کنند. اینها با عدم پرداخت مالیاتهای نظامی، «اعتراض اقتصادی» کرده و با دولت از در مخالفت بر می‌آیند. مسلماً این مخالفتها عواقبی هم دارد و در اثر آن، بعضی از فرانسویان از حقوق مدنی خود محروم میشوند.

با اقبای سیاست خارجی مسیبتی بر سلطه جاسیرانه و استعمار، دولت فرانسه، زیر پوشش «قراردادهای همکاری» با کشورهای جهان سوم و همچنین سیاست داخلی این دولت، که عملاً باعث اختناق و عدم وجود آزادی عقیده گردیده، پسرده از چهره حقیقی این دولت نیز برداشته شد.

کشور ما (فرانسه) در سلطه‌گری سرمایه‌داری بین‌المللی شرکت می‌کند. بدین ترتیب ما همان مقدار که خود قربانی این سیاست (ضد آزادی و حقوق انسانها) هستیم، مسئول این گونه سیاستهای ضد انسانی نیز می‌باشیم. درصورتیکه رفاه اجتماعی ما به‌شرطی تضمین میشود که، توده‌های سراسر جهان با رنجی که می‌برند و شکنجه‌هایی که بر اثر گرسنگی تحمل می‌کنند، بهای آن را بپردازند.

استقلال ما باید رسماً با تهدید دائمی و مستمر یک نیروی مخرب انمی، حفظ و حراست شود. کشورهای استعمارگر، با تبلیغات وسیعی که بر علیه مسئله گروگان‌گیری (وسيله‌ای برای مبارزه سیاسی با تبلیغاتی علیه سلطه‌گران) در مسالکی نظیر آرژانتین، چاد یا ژیر راه انداخته‌اند، سعی دارند پوششی برای رسواسیهای سیاسی و قراردادهای اقتصادی سلطه‌گرانه خود، بسازند.

بشهرین راه مبارزه در راه احقاق حقوق از دست رفته، انجام مسئولیت انسانی خودمان در اجتماع می‌باشد، و پناه بردن به‌مرامع عالی ملی یا بین‌المللی دردی را دوا نمیکند. شرایط موجود و چهره امروز جهان را، جز با فشار و فشر همه جانبه، از طرف همه شهروندان مسئول و آگاه هر کشور بر دولتهای خود، نمیتوان تغییر داد.

رئیس بخش فرانسوی سازمان عفو بین‌المللی (AMNESTY-INTERNATIONAL) راجع به «آزادیهای اساسی» اعتقاد دارد که «اصل عدم دخالت» در این مورد صادق نیست. زیرا این مسئله «در ورای یک مسئله ملی قرار دارد». آیا بسنظر نرسید که باید تاجستانی که شهروندان مسئول، امکان دخالت در امور محرمانه دولتی را که بر آنان حکومت می‌کنند، بدست آورند، پیش رفت؟

چنانکه از اتفاقات سالهای اخیر بر می‌آید، عمل سازمان عفو بین‌المللی در سازمان دادن قیام طرفداران اصل عدم خنوتت، نیاز به حمایت دارد از آن یک وظیفه اخلاقی است. زیرا اگر این نهضت فکری، در بیطرفی سیاسی صرف بماند و امکان جلب وجدانهای آگاه را نداشته باشد، مستثنا هیچ اثری نخواهد بود.

تاریخ بارها به‌ما آموخته است که در مقابل لباس قانون پوشیدن خنوتت و تهاجم دولتها - که باعث اطاعت ناشی از ترس می‌گردد - «وطن پرستی» راستین در مبارزه و مقاومت در برابر خنوتت و اطاعت از قانون دولتها، بهترین روش است.

مراکز پخش نشریه امت  
۱ - کتابفروشی حنیف هفت‌چار اول حسام‌السلطنه  
۲ - میدان امام حسین (فوزیه) کتابفروشی سعید محسن  
۳ - میدان غار اول خیابان غار مغازه صفائی ۵۲۳۷۵۶  
۴ - بازار آهنگرها سرای حاج نادعلی فروشگاه اتحاد ۵۲۱۵۸۷  
۵ - کتابفروشی مولی خیابان انقلاب (شاهرضای سابق) نرسیده به دانشگاه تهران روبروی پمپ بنزین

انتشارات سلمان ناصر خسرو کوجه حاج‌نایب  
انتشارات امام خیابان ۱۷ شهرویر (دروازه دولاب)  
پیش آنبشار  
انتشارات الهام میدان انقلاب بازارچه کتاب  
حلیان شیروخورشید خیابان ری‌باط کریم مسجد اعظم  
۳ - آناول فرانس انتشارات صادق  
۳ - میدان انقلاب اول خیابان کارگر انتشارات رهیار  
خیابان امام زمان خیابان استاد محین مسجد فاطمه زهرا (ع)

مبارزه تبلیغاتی، فقط میتواند وجدان سیاسی عمومی را برانگیزد، که برای وادار کردن دولت به‌رعایت عدالت و آزادی در اداره کشور، کافی نیست؛ بلکه یک عمل جمعی، به‌صورت عدم اطاعت از قوانین دولتی و عدم همکاری با دولت، ضرورت دارد.

مبارزه تبلیغاتی، فقط میتواند وجدان سیاسی عمومی را برانگیزد، که برای وادار کردن دولت به‌رعایت عدالت و آزادی در اداره کشور، کافی نیست؛ بلکه یک عمل جمعی، به‌صورت عدم اطاعت از قوانین دولتی و عدم همکاری با دولت، ضرورت دارد.

## قدرت و دولت

توضیح و تذکار:

مقاله «قدرت دولت» ترجمه شده از روزنامه لوموند می‌باشد که توسط «اولیویه ویال» نوشته شده است نویسنده مقاله از طرفداران مبارزه عدم خنوتت (NON-VIOLANCE) است، و بر مبنای پیش خود در نوشته به‌تحلیل پرداخته. این نگرش با بیش از ۱۰۰ ساله برخورد مکتب اسلام با مقوله «قدرت و دولت» متفاوت است. لازم به‌تذکر می‌باشد که ترجمه مقالات و چاپ آن به‌معنای قبول تمامی تحلیل و مواضع آن نمی‌باشد. بلکه در مجموع برای مطالعه مفید تشخیص داده شده.

امروزه آنچه در کشورهای مختلف جهان به‌نام دولت وجود دارد، در واقع مجری قانون قوی‌ترهاست، نه نگران و حامی حقوق بشر. قدرتهای مسلط، نام دولت، و گاهی دولت دمکراتیک، به‌خود داده‌اند؛ ولی اغلب با دیکتاتوری عمل می‌کنند. دولتها سعی دارند به‌کمک قانون اساسی، که متناسب با مقاصد تیره‌های غالب است، به‌دیکتاتوری مشروعیت بدهند. بدین ترتیب است که تبیعت و اجراء قوانین فرمایشی را بر سرمد و ملت تحمیل می‌کنند و تنها خود را حامی منافع مملکت، حافظ و برقرار کننده نظم و امنیت و مدافع استقلال مرفی مینمایند.

اغلب، آزادی فردی یا جمعی به‌صورتی مطلوب در متن قانون پیش‌بینی شده، ولی در عمل از محتوای آن به‌طور آشکار و چشمگیر کاسته میشود. در اثر عدم رعایت این قوانین از طرف دولتها، توده‌ها مجبور به‌همکاری با قدرتهای حاکمه یا سکوت و اطاعت کورکورانه می‌گردند. داشتن رأی و نظر مخالف با سیاستهای این دول، خطری برای «امنیت ملی» تلقی شده و به‌شدت محکوم می‌گردد. بطوریکه با اقدامات قوه قضائیه، «مخالفتین» عنوان «محکومین» یافته و به‌زندانیها و بیمارستانهای روانی یا، به‌تعبدگاهها گسیل میشوند. رقعی سیاسی را به‌مثابه دشمنان داخلی شکنجه کرده، و با ترور می‌کنند.

برای جلوگیری از تکرار این نوع اعمال که نه تنها در جهت منافع توده‌های زحمتکش خلق ما نمی‌باشد بلکه از برای دشمن شادی آفرین نیز میباشد، ما به‌عده نیروهای مترقی و انقلابی مسلمان پیشنهاد میکنیم تا در این گونه موارد شورای مشترک برگزار رابهیمنانی تشکیل داده و با استفاده از نظریات و آراء همه گروه‌های شرکت کننده، برنامه واحدی را تنظیم و با اجرا

برای جلوگیری از تکرار این نوع اعمال که نه تنها در جهت منافع توده‌های زحمتکش خلق ما نمی‌باشد بلکه از برای دشمن شادی آفرین نیز میباشد، ما به‌عده نیروهای مترقی و انقلابی مسلمان پیشنهاد میکنیم تا در این گونه موارد شورای مشترک برگزار رابهیمنانی تشکیل داده و با استفاده از نظریات و آراء همه گروه‌های شرکت کننده، برنامه واحدی را تنظیم و با اجرا

# دروود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما



### مصاحبه

دادگستری بعنوان یک وزارتخانه معارض است با جدائی قوه قضائیه از قوه مجریه. زیرا وقتی به صورت یک وزارتخانه باشد جزئی از قوه مجریه می شود. باید در صورت تفکیک قوا، بیت المال، ارتش و دادگستری هر کدام یک واحد مستقل باشند در کنار دولت. تعرض این حکومت های خودمختار یعنی شوراهای محلی، سه قوه از این چهار قوه را در مناطق خودشان تأسیس می کنند. مثلاً شورای کردستان، قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه مالیه را در کردستان تأسیس می کند و همینطور شوراهای دیگر هر کدام در مناطق خود و بعد از این شوراهای محلی می گردند و یک شورای عالی محلی تشکیل می دهند که کار این شورای عالی ملکی تدوین قوانین اساسی کلی برای مملکت و هوائی است که برای مناطق مختلف تفاوت ندارد و نظارت بر اجرای قانون در مناطق خودمختار و تعیین خط مشی سیاسی خارجی و توریخ در آمد مملکت به نسبت احتیاج در خودختاری ها. و بر تأسیس قوه چهارم که ارتش است. چون در اسلام ارتش دخالتی در امور داخلی ندارد بلکه ارتش فقط برای مقابله با دشمنان خارجی است اما نیروی انتظامی داخلی به صورت پلیس در اختیار قوه قضائیه است.

یک جمله ای که می خوانست اضافه کنیم این است که تشکیل آن شورای عالی ملکی یا حکومت مرکزی اگر به طور فوری و جدی صورت گیرد می تواند طرفی باشد برای تجدید وحدت اسلامی بین دو طرفه سنی و شیعی زیرا اگر بدقت تاریخ را مرور کنیم متوجه می شویم که ناپدید شدن شورا بوسیله سلطنت امویان موجب تفرق در امت شد. و الان اگر خواهیم به سوی وحدت برگردیم تنها طریق معقول برای احکام تأسیس شورائی است که در آنجا صاحب نظران و دانشمندان سنی و شیعی روی یک یک مسائل بررسی کنند. ادله همدیگر را شنیده و پس از شور و بررسی متوجه قدرت و ضعف ادله همدیگر شوند و پس از مدتی طوبی و وقتی یک یک مسائل مطرح شد و معلوم شد که دلیل کدام یک از دو فرقه در مورد این مسئله قوی تر است انتخاب طریق واحد در مورد این احکام کوچک و فسخی منتهی می شود به وحدت کامل در مجموعه دین. که امیدواریم این توفیق هم پیش بیاید.

س - در همین رابطه با توجه به تقسیم بندی که شما کردید و در مملکت هم این قوا وجود دارند، یعنی قوه مجریه، قضائیه، ارتش و دادگستری و غیره، می دانیم که انگیزه تشکیل این قوا و نه عملکرد چندین ساله شان بر طبق موازین اسلامی بوده است.

از طرفی پس از انقلاب، وظیفه انقلاب این است که این نهادها را در جهت حاکمیت ضوابط و معیارهای اسلامی حرکت داده و بازسازی کند. در این دوران گذار و با دوران انتقال فکر می کنید که مسئولیت این قوا را به چه نهادهای دیگری می توان سپرد و یا اصلاً چه راه حلی پیشنهاد می کنید؟

ج - قبلاً توضیحی بدهم که تفکیک قوا در قوانین گذشته بصورتی که اسلام پیشنهاد می کند، صورت نگرفته بود. مثلاً قوه مجریه و قوه قضائیه اساساً از هم جدا هستند اما همانطور که اشاره کردم، وقتی قوه قضائیه، بنام یک وزارتخانه موجودیت دارد، پس جزئی از قوه مجریه شده است. از طرفی می دانیم که شاهنشاهی چگونه تمام مقیاس های تفکیک قوا را بهم می زند. مثلاً در مجلس سنا، شاه به نهادهای به اندازه تمام ملت ایران نماینده داشت. و تردیدی نیست که نفوذ نظام حاکم گذشته بر سنا بطور طبیعی چنان بوده که می توانست حداقل یک نفر از نمایندگان ملت را بطرف خود جلب کند. بنابراین اکثریت همواره با شاه بوده در برابر ملت و در حقیقت شاه به قوه مقننه حکومت داشت. پس اصولاً تفکیک قوا به این صورت انجام نشده است. در مورد قوه مالیه و قوه دفاعیه نیز می دانیم که عملاً در هیچ موردی اینها از دولت جدا نبوده اند. ارتش و دارایی همیشه در اختیار دولتها بوده اند و هر وقت دولت بر زور و پول تسلط می یابند، احتمال سرکشی و استبداد وجود دارد. بنابراین خیلی منطقی است که در نظام آینده مملکت آن صورت تفکیک کامل این چهار قوه را عملی کنیم.

در مورد اینکه چطور بتوانیم از آن وضع گذشته به وضعی که پیشنهاد کردیم برسیم. یقیناً این کاری است مشکل. قسمت عمده مشکلات بمعهده تدوین قانون اساسی است اگر از حالا بتوانیم قانون اساسی را جامع و کامل تدوین کنیم همین حکومت فعلی می تواند اجرای آن قانون اساسی که تدوین خواهد شد و بر تشکیل حکومت های محلی به صورتی که گفتیم نظارت کند و بعد تشکیل حکومت مرکزی یا شورای عالی از آن حکومت های محلی صورت گیرد. اطلاع دارید که هفتی قبلاً بدون دخالت دیگران در کار تهیه و پیش نویس

قانون اساسی فعالیت داشتند و غالباً مطالبی به عنوان پیش نویس قانون اساسی نشر میشد که معایب فراوانی داشت. هزار متوجه میشدید که آنچه منتشر شده آن منتهی نیست که مورد توافق صاحب نظران در کار تدوین قانون اساسی باشد. ولی بالاخره مقیاسی بود برای اینکه نشان دهد که آن پیش نویس در چه حدودی کنار می کشند و هزار متوجه میشدید که اگر روشی منطقی تر اتخاذ نشود، پیش نویس قانون اساسی پس از انتشار موجب دردسرهای فراوان خواهد شد. بنابراین بهتر است که قبل از انتشار کاری شود که صورتی مطلوب تر پیدا کند در این مدت اقداماتی کردیم و از جمله توافق شده بر این است که از هر استان ۲ نفر انتخاب شوند و این ها بر پیش نویس قانون اساسی نظارت داشته باشند و پیش نویس پس از این مرحله و اظهار نظر بعدی در معرض افکار و مطالعه عمومی قرار گیرد باین ترتیب احتمال مطلوب بودن قانون اساسی بیشتر میشود.

س - مشکلات عمده برادران و خواهران کرد را چگونه ارزیابی می کنید و تاج خودی خود برادران و خواهران کرد می توانند با شما در رفع این مشکلات از عهده برآیند و برنامه های دولت و کمکهایش در چه

پیش آمدن اشتباه کمتر شود و گرچه اشتباه پیش خواهد آمد. اما بالاخره مرده به تمرین و ممارستشان در کنار تعیین مسیر و سرنوشتشان زیاد خواهد شد و میرسد به جای که به امید خدا در تعیین نمایندگان دچار اشتباه شوند.

س - در همین رابطه سؤال دیگری مطرح است، اکنون در جامعه ما بخصوص پس از انقلاب گروهها و دسته بندی هایی وجود دارند که بعضی از این احزاب و گروهها دارای قدرت فوق العاده ای هستند، بدلتائی که مورد بحث ما نیست، از طرف دیگر آن دسته از مرده در رژیم سابق فرصت آگاه شدن و حتی موادآموزی را داشتند که در حد بسیار کوچکی است، بازتوجه به آنچه به اصطلاح فرنگی به آن «توریه» میگویند. این مسئله که این احزاب با چنین توریه ای بجای مردم نمایندگان مردم را انتخاب بکنند، این مسئله را چطور بنظر شما میتوان حل کرد؟

ج - متأسفانه مشکلاتی فراوان در مملکت وجود دارد و تمام مشکلات معلول همان زوررس بودن انقلاب است. تنها راه چاره فعلی اینست که سران انقلاب یعنی کسانی که در زمان جریان انقلاب مسئولیت رهبری را

- مبارزه با هم علیه تسنن بود و هم تشیع، اما کدام تسنن و کدام تشیع؟
- ستم های ملی هم یکی از ستمهایی است که دین سخت با آن مبارزه میکند
- ناپدید شدن شورا بوسیله سلطنت امویان موجب تفرق در امت شد
- آنچه تنها در یک خیابان تهران خرج شده، در سراسر کردستان خرج نشده است.

قسمتی بیشتر لازم و ضروری است و تاکنون تا چه حدودی این کار را انجام داده است؟

ج - مشکلات در کردستان گوناگون است. فعلاً قبل از اینکه قانون اساسی تصویب شود و به مرحله اجرا در بیاید طرحهایی برای برطرف کردن قسمتی از این مشکلات به دولت داده ام. از جمله طرحی برای عمران و آبادی بود و طرحی برای اصلاح وضع امور دینی در منطقه بود که از زمان صفویه مورد دینی در کردستان و بقیه بلاد اهل تشن مورد ستم و فشار فراوان بوده و جلوتر از این دو طرح هم طرحهایی به وزارت کار داده ام. برای بهبود وضع کارگران و کشاورزان که در آن زمینه کارهایی انجام شده و البته نه در آن حد که مطلوب بود و اگر خودمختاری در مبنای ضوابط اسلامی حق اداره خودشان را داشته باشند قسمت عمده این مشکلات برطرف خواهد شد. می ماند اینکه دولت طبق آن وظیفه ای که قبلاً اشاره کردیم یا توجه به اینکه کردستان از مناطقی است که بسیار عقب مانده و از نظر اقتصادی تسوچی به وضع آن نشده در آینده این عقب ماندگیها را جبران کند و کمک اقتصادی اش به کردستان در حدی باشد که بتواند کردستان را از نظر مادی با مناطق پیشرفته ایران هم سطح سازد.

س - در صحبت های شما اشاره زیادی به قانون اساسی می کنید، میدانم که قانون اساسی نه تنها تأسیس می شود که در مجلس مؤسسان انتخاب میشوند به تصویب خواهد رسید. سؤال اینست که در رابطه با انتخاب نمایندگان آیا فکر می کنید که مردم مسا و منظورمان از مردم توده هستند، آنها قدرت و تشخیص انتخاب نمایندگان واقعی خودشان را در این شرایط دارند و آیا اصولاً مسئله انتخابات، رای گیری، رای ریختن در صندوق تاجه حد یا موازین اسلامی منطبق است؟

ج - سؤالی بسیار بجا است، حقیقت اینست که روش انتخابات فریبکارانه گذشته طوری بوده که ما را دچار این نگرانی می کند که مردم تحت تأثیر روش سیاسی گذشته مملکت باشند و نتوانند بطور صحیح و روشن در آینده در تعیین نمایندگان خودشان اظهار نظر کنند. البته این احتمال تا حد زیادی هم درست است. وقتی قرنها در مملکتی زور و فریب وجود دارد و مردم از مقیاس های واقعی آزادی و حق دخالت در تعیین سرنوشت محرومند بسیار مشکل است که پس از تحولی ناگهانی در نظام اداری و سیاسی مملکتی بتوانند بصورت مطلوب سرنوشتشان را بدست گیرند. اما بهر صورت آنچه در یک جامعه اسلامی مطلوب است اینست که مردم خود باید سرنوشت خود را در دست گیرند گرچه مشکلاتی هم در کار باشند. باز اشاره ای میکنم، اگر دوره انقلابی و مبارزه با رژیم گذشته طولانی تر بود احتمال طرح این سؤال پس از پیروزی بر دشمن کمتر میشد. چون مردم به ختمتر میشدند و تفاوت بین رژیم گذشته و نظام آینده را بهتر درک میکردند و بهرحال الان که وضع چنین شده چاره ای نیست جز اینکه نظام اسلامی را هر اندازه که میتوانیم در مملکت برقرار کنیم. اختیار ادامه جامعه را بدست مردم بدهیم و حتی المقدور با راهنمای مردم کاری کنیم که احتمال

تشیع جهل گیری می گردد نه با او علیه دشمن مشترک. بعلاوه ادله فراوان دیگری هم هست که نشان می دهد آنچه روح انقلابی را به ملت داد بالاتر از تشن و تشیع بود. که همان اسلام واقعی است و اصولاً وقتی بحث از مذهب شد جدائی بوجود می آید. تنها در بحث دین و در عنوان اسلام است که سنی و شیعی مستعد می شوند از این بعد امیدواره به این واقعت توجه شود مخصوص در روزنامه شما که کارتان در حد مطلوب تقریباً هست و مسئولیتتان را تقریباً بطور پسندیده بعهده می گیرید و اجراء میکنید. دلیل دومی این است که معمولاً دشمنان ما از هر نوع عامل اختلاف لنگر در بین ما علیه ما و علیه انقلاب ما استفاده می کنند و می دانند که مذهب ما به تفرق است. همانطور که قرآن بارها تأکید کرده دین است که مابده وحدت است. اگر بنا باشد ما زیاد روی مذهب تکیه کنیم در بین خودمان حساسیت بوجود می آوریم و این حسرتی بسیار قوی در دست دشمنان ما خواهد بود همانطور که دهمید در سنده در ترکمن صحرا، جنگ مذهبی را بین مردم تقویت کردند. بنابراین مسئولان و آگاهان باید کاری کنند از آنچه رنگ مذهبی دارد و ایجاد تفرق می کند سخت پرهیز شود و تنها در مغفولت دین و در محدوده مسائل عالی اسلامی بحث شود و لا غیر.

مطلب سوم اینست که ما الان برای این مسقط تاریخ تنها کار نمی کنیم و برای تنها این دوره مسئول نیستیم بلکه برای آینده کار میکنیم و در برابر نسلهای آینده مسئول هستیم اگر در گذشته شاهنشاهی اموی و شاهنشاهی های بعد از آن موجب تفرق امت واحد شدند و این امت واحد را که خداوند نام مسلم و یا بفارسی خودمان مسلمان به آن داده با اسمهای سنی و شیعی و غیره نامگذاری کردند و بدینا ما که در قرآن اسلام است و لا غیر، تبدیل شد به تسنن و تشیع و عنوانهای

### قیام خونین ۱۰۰۰ بقیه از صفحه ۲ روحانیت

پس از یک وقفه چندین ساله در مبارزات روحانیت (بعد از ملی شدن صنعت نفت تا اسام حینی) بار دیگر از ۱۵ خرداد ۴۲ بشکل مؤثری وارد میدان مبارزه میشود.

در خلال این مدت روحانیت بطور مشخص در مبارزات سیاسی نقش مهمی ایفا نمی کند. سالیان دراز استعمارگران و رژیم وابسته با امپریالیسم می کوشید به عنوانی مختلف روحانیت را از مداخله در امور سیاسی و مبارزات اجتماعی بدور نگهدارد.

با ورود مستقیم امام به صحنه مبارزات سیاسی - اجتماعی و تأکید بر اصل «جدا نسویدن دین از سیاست» تعداد زیادی از طلاب جوان و علمای متعهد به کاتال صحیح مبارزه سوق داده میشوند. با ورود روحانیت مترقی در صحنه مبارزات به رهبری اسام حینی، اقتدار وسیعی از توده های محروم جامعه که تحقق خواسته های بر حق خویش را در مبارزات و مقاومت و سازش ناپذیری امام متجلی می بینند وارد صحنه بیکار میشوند و علیه رژیم طاغوتی شاه و اربابان غارتگرش به مبارزه بر می خیزند.

علمای متعهد بدلیل داشتن بسایگه مردمی و ویژه گیهای ایدئولوژیک همواره در سیج توده ها در مبارزه بر علیه قدرتهای سلطه گر نقش ارزنده ای را ایفا نموده اند.

۱۵ خرداد ۴۲ بار دیگر رسالت روحانیت را در بسیج توده ها علیه طاغوت، زنده و حرکت نوینی را در حوزه های علمیه و مدارس دینی بوجود می آورد. رژیم میخواست با تبدیل علماء اسلام به «روحانیت و اتیکان» این ملیغن «جدا دین از سیاست» و توجه کنندگان سرما به داری و ... ضربات مهلکی را بر بیکره اسلام و خلق ما وارد آورد و بنا خیال آسوده نیروهای اصیل و انقلابی مسلمان را با توجهات «مذهبی» به اصطلاح ذبح شرعی کند.

اما اسام با هوشیاری و قاطعیت انقلابی سیاست های ضد خلقی دستگاه حاکم را با تمام عوام فریبی ارگانهای تبلیغاتی (داخلی و خارجی)، افتاء و نقش استعماری امریکا و صهیونیست را در ایران محکوم می کند و فقر فرهنگی مردم را متأثر از فقر اقتصادی و نتیجه مناسبات غلط حاکم بر جامعه دانسته و در این رابطه به حق لبه تیز مبارزات خود را متوجه رژیم ضد خلقی شاه و اجانب سلطه گر کرده و مواضع آشتی ناپذیر خود را در برابر رژیم صریح اعلام می کند:

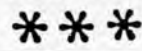
### دستاورد قیام ۱۵ خرداد ۴۲

گرچه رژیم در ۱۵ خرداد با کشتارهای وحشیانه و ایجاد محیط ترور و خفقان توانست برای مدتی شور انقلابی مردم را کاهش دهد و حتی عده ای را که

# امت

دیگر از این بعد باید ما که یک حرکت انقلابی اسلامی وجود آوردیم تلاش کنیم که از این همه تفرق سوی وحدت برگردیم.

و حرکت ما در جهتی باشد که به امید خدای متعال به تنها تفرق را در بران برطرف کنیم بلکه راه را برای وحدت تمام مسلمانان که الان بصورت کشورهای جدا از هم و حتی متخاصم در آمده ایم هموار کنیم. و می دانیم که کشورهای مسلمان اهل تشن هستند ولی اساساً همانطور که اهل تشیع در بران و در همه جا فقط اسماً شیعی بودن به پیروان واقعی علی الان همدستی واقعی کمتر وجود دارد یعنی پیروان واقعی محد اص اگر در این مرحله انقلابی ما زیاد روی مذهب تأکید کنیم نه تنها انقلاب خودمان را برای نفوذ دشمنان مساعد کرده ایم بلکه راه را برای به طرف وحدت رفتن مسلمانان مسدود نموده ایم. به این دلیل بوسیله روزنامه شما به این روزنامه و هم به روزنامه های مسئول و مستعد و هم به دانشمندان دستور امت تذکر می دهیم که از این بعد روی مذهب زیاد تکیه نکنند زیرا هر نقطه ای که در هر کدام از دو مذهب هست در اصل اسلام وجود دارد و با مذهب دیگر موافق است. آن چه دو مذهب را از هم جدا می کند. متأسفانه نکات منفی است. اگر این نکته های منفی و شاخ و برگها که بعداً بدین اضافه شده و دین واحد را بصورت مذاهب متفرق در آورده کنار بزنیم متوجه خواهیم شد که دو مذهب دوباره بصورت دین واحد در خواهند آمد. و امیدوارم مسطوبات هم وظیفه شان را خوب در این زمینه ادا کنند و هم آگاهان و مسئولان دلسوز و مسلمان و بعد هم همان شورای مملکتی راه قانونی و عملی سوی وحدت رفتن راه هموار سازد موفق و مؤید باشید.



داعیه «مبارزه» در سر داشتند از میدان خارج کرده و وادار به انزوا و گوشه گیری نماید. ولی این دستاورد بزرگ را نیز به همراه داشت که در عمل بر حیات سیاسی نیروهای که با سیاست «صبر و انتظار» و در چهار چوب قوانین رژیم حاکم معتقد به «مبارزه» بودند پایان دهد. قیام بازنده خرداد هر چند که از خصوصیت مردمی و شرکت اقشار وسیع توده های مسلمان در حرکت ضد استبدادی و ضد استعماری برخوردار بود ولی بدلیل فقدان یک تشکیلات منسجم و نیروهای پیشواز در تداوم مبارزه سرکوب میشود اما تجربه گرانبهائی را بخلق ما می آموزد که با دست خالی و بدون یک سازماندهی قوی نمیتوان بجنگ رژیم ناپندار مسلح رفت و پیاد میدهد که نیروهای لایزال خلق تنها در صورت متشکل مکشی و دارا بودن رهبری انقلابی می تواند امپریالیسم و ارتجاع را از پای در آورد. لذا ۱۵ خرداد را باید سرآغاز شکل گیری مبارزات سازمان یافته و مکشی در قالب مسلحانه حساب آورد و در واقع بدنبال این جریان فکری است که بسیاری از مبارزین صادق به این نتیجه می رسند که «هرگز نمیتوان در قالب رفرم و اصلاح طلبی، تغییرات بنیادی در جامعه ایجاد کرد.» و با این جمع بندی قادر میشوند خود را از بن بست که سرکوبهای بی اسان دیکتاتوری و خفقان حاکم از طرفی و مبارزه در قالب رفرمیسم و لیبرالیسم از طرف دیگر ایجاد کرده بودرها سازند و راهی بسوی مبارزات قهرآمیز بکشایند. بعد از ۱۵ خرداد ۴۲ است که می بینیم نقطه سازمانهای که در جهت مبارزه مسلحانه حرکت میکنند بسته میشود که جمعیت های مؤتلفه اسلامی، جبهه آزادی بخش ملی ایران (اجاما)، حزب ملل اسلامی، سازمان مجاهدین خلق ایران و ... از این جمله اند که سازمان مجاهدین خلق چه از نظر سازماندهی و ایدئولوژی و ابیعد مبارزاتی جایگاه خاصی در بسین سازمانها و گروه های اسلامی داشت.

۱۵ خرداد در واقع نقطه عطفی در حرکت اسلامی است که مذهب را بعنوان یک ایدئولوژی انقلابی بیان توده ها برد و نقطه آغازی شد برای تحوّل شکل مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی خلق مسلمان ما، که در روند تکاملی خود در نهایت توانست رژیم دیکتاتوری حاکم را در اثر رهبری قاطعانه اسام سرنگون نسوده و دست اجانب را از کشور کوتاه سازد.

\*\*\*\*\*  
 زینروبس  
 ۱ - ... سیاست از اسلام سرچشمه میگردد من از آن اخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست گیرم. من باب نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسم انجام دهم و بقیه اوقات برای خود سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم. قسمتی از نطق اسام در تاریخ ۲۱/۳/۴۲  
 ۲ - ... اگر معاش فراهم نمود نمی تواند دین خود را حفظ کند... وضع معیشت بد است که این همه جنایات و مفاسد که شب و روز در روزنامه میخوانید بوجود میآورد... قسمتی از نطق امام ۲۱/۳/۴۲



پیام امام خمینی بمناسبت سالروز

قیام مردمی ۱۵ خرداد

بسم الله الرحمن الرحيم
با فرا رسیدن سالروز خرداد، خاطره غم انگیز و حماسه آفرین این روز تاریخی تجدید میشود. روزی که بنا بر آنچه مشهور است قریب ۱۵ هزار نفر از ملت مظلوم و مستکبیده ما بخاک و خون کشیده شد. نوری که طلیعه نهضت اسلامی این ملت شجاع و غیور گردید. نهضت عظیمی که بیش از ۱۶ سال پیش بدنبال قیام روحانیت مسئول و متعهد در مقابل محمدرضا پهلوی که مخالفش با اسلام عزیز آشکار و آشکارتر شد شکل گرفت. روحانیت به اعتراض برخاست و عصر عاشورا پس از حادثه‌های ناگوار، اعتراض با موج عظیم انسانی اسلامی بالا گرفت و بساوج رسید و پس از آن دست ناپاک استعمار از آستین شاه مخلوع درآمد و غاشله ۱۵ خرداد ۱۲ محرم چه ماه پر غلغله‌ای و چه ماه خوبی و چه ماه حماسه آفرینی ماهی که دستگاه شاهنشاهی بنی‌امیه را درهم کوبید و ماهی که رژیم شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله جانیکاران را درهم پیچید. ملت ما نه محرم را که شاهد قتل عامهای جباران است فراموش میکند و نه ۱۵ خرداد را که سرآغاز نهضت اسلامی روحانیت است. نهضت از متن حوزه علمیه قم، مرکز فقاقت راستین برخاست و برق آساز سایر حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و در تهران و سایر شهرستانها قشرهای عظیم ملت را فرا گرفت و همه را میدان مبارزه کشید. و در سالهای اخیر که حوادث بدنبال حوادث بوجود آمد، ملت بزرگ با شعار اسلام و فریاد الله اکبر و نور ایمان و وحدت کلمه بنیاد پهلوی را از بن کند. ملت ما این روز را عزیز می‌شمارد و مین ۱۵ خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می‌کند. و برای بزرگداشت شهدای خویش در این روز بزرگ در مدرسه فیضیه سوگ می‌نشیند بامید آنکه با خواست خداوند متعال باقی مانده ریشه‌های گندیده استعمار از بیخ و بن کنده شود و جمهوری اسلامی سینی بر احکام نورانی قرآن مجید در کشور ما مستقر گردد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
روح الله الموسوی الخمينی
۱۲ خرداد ۵۸

تلگرام برادر ابوعمار به آیت‌الله منتظری

«تلگرام برادر ابوعمار به آیت‌الله منتظری»
بیروت ۱۹۷۹/۶/۳ - وفا
بسم الله الرحمن الرحيم
حضرت آیت‌الله منتظری دام‌ظله
و مکروا و مکروا لله و الله خیر الماکرین
خیر اقدام به سوء قصدی را که دیروز از طرف دارو دسته خیانتکاران و نوکران امپریالیستی و صهیونیستها شما را هدف قرار داده بودند شنیدیم. و ما با ابراز خوشوقتی از سلامتی شما بسیار دیگر تسکین می‌کنیم که این دارو دسته خیانتکار در این شرایطی که انقلاب می‌رود تا ریشه‌های ظلم و ستم و طغیان را از بیخ برکنند در صدد هستند به پای‌های انقلاب و رهبران آن آسیب برسانند و با تلاش مذبحخانه خود مسیر حق و تاریخ را که شما برهبری امام خمینی سازنده‌گان آن هستید منحرف سازند و متوقف کنند. ولی ما بزمه راسخ شما و قدرت و توانائی این ملت اصیل در قطع ابدی اثرات و کمال سختی‌ها به کاروان پیروزی آشکار و حتمی که خدا بآن وعده داده است اطمینان کامل داریم. خدا شما را حفظ کند و برای پاکسازی مقدساتمان از آلودگی و تجاوز و طاغوت با تکمیل انقلاب ایران با پیروزی فلسطین تأییدتان نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
انقلاب تا پیروزی
برادران یاسر عرفات

کمک یهودیان اتریش به سازمان الفتح

وین ۱۹۷۹/۵/۳۱ - وفا
«آزمین فریودمان» مهندس اتریشی در وصیت‌نامه خود نوشته بعد از وفاتش نسیمی از خمس اموالش به سازمان آزادیبخش فلسطین داده شود. وی در وصیت‌نامه‌اش گفته این اموال را یک یهودی که از نژادپرستی نازیها رنج کشیده به گروهی که از نژادپرستی صهیونیستها رنج میکشند اختصاص میدهد. وی از دشمنان سرخست امپریالیسم و ارتجاع میباشد.

ملت فلسطین قطعنامه ۲۴۲ را رد میکند

بیروت ۱۹۷۹/۶/۳ - وفا
برادر ابوعمار در یک گفتگوی مطبوعاتی با مجله لبنانی «الحوادث» گفت: فلسطینیها قطعنامه ۲۴۲ را قبول ندارند و سادات میدانند ما و اعراب دیگر آنرا رد می‌کنیم. وی گفت: راه حل باید از طریق سازمان ملل ارائه شود و گفتگو در سطح سازمان ملل جنبه مذاکره و سازش ندارد و کلیه قراردادهای عربی مذاکره با اسرائیل را نفی میکند و سادات بخاطر مذاکره با اسرائیل کلیه این قراردادهای را زیر پا گذاشته است. ابوعمار درباره عملیات نظامی و جنگ با اسرائیل گفت: راه حل نظامی را کنار نمی‌گذاریم. آنچه سادات گمان میکند که راه حل نظامی در برخورد با اسرائیل کنار گذاشته شود صحیح نیست.

تلگرام برادر ابوعمار به امام خمینی

بیروت ۱۹۷۹/۶/۲ - وفا
برادر ابوعمار رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین و فرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین تلگرامی برای آیت‌الله العظمی امام خمینی فرستاد. در این تلگرام مسائل و رویدادهای جنوب لبنان و حملات اسرائیل علیه ملت‌های لبنان و فلسطین را که با انواع سلاحهای ویران کننده صورت می‌گیرد شامل

اتفاق، وسیله تکامل شخصیت انسان

... اتفاق و زکوة در منطق و زبان قرآن وسیله ایست برای تکامل شخصیت انسان و برخلاف تصور و استنباط بعضی، توصیه به انسحاق در اسلام دلیل نایب اختلاف طبقاتی و قبول نسر و ندمت و فسق در جامعه نیست... زیرا کسی بسال فرسوان دست می‌یابد که به حقوق دیگران تجاوز کرده باشد. ثروت و مالیکت اینگونه نسر و ندمتند اصولاً به آنها تعلق ندارد تا مقداری از آنرا در راه خدا اتفاق کنند. نقل از کتاب «برداشت‌هایی درباره مالکیت، کار و سرمایه از دیدگاه اسلام دکتر حبیب‌الله پایدار

تلگرام محمد باقر صدر به امام خمینی

قد - محضر شریف حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دام‌ظله
پیام والای آن سرور گرامی روحی تازه در کالبد ملت مسلمان عراق دمیده. این پیام، بازگو کننده عنایات پدرانه و توجهات عطف‌افانه آن رهبر عزیز باین ملت مسلمان و به حوزه علمیه نجف اشرف بود. حوزه‌ای که مدت مبدی افتخار خدمت‌گزاری آن حضرت داشته و پیروزیهای درخشان و چشمگیری را با دل‌رجان دنیال می‌نمود. من از توجهات حکیمانه آن جناب تیر و گرفته احساس می‌کنم مسئولیت خطیر نگهبانی این دستگاه علمی و اسلامی و حمایت از رسالت سنگینش را بدوش دارم. بدین مناسبت، درود بیلیونها مسلمان عراقی را که در پرتو این انقلاب بار دیگر نور هدایت اسلام را یافته و جان تازه‌ای گرفته‌اند، تقدیم می‌نمایم. این مردم آماده‌اند و دوشادوش برادران مسلمان ایرانی خود، برای دفاع از جمهوری اسلامی و مبارزه با هرگونه نفاق افکنی و تحریکات استعماری شرق و غرب بویژه آزاد کردن سرزمین‌های اشغالی فلسطین جانفشانی نمایند. در پایان، دوام عمر شریف آن رهبر بزرگ را از خداوند متعال خواستارم.

۶ رجب نجف اشرف
محمد باقر صدر

اعدام انقلابی یک رهبر روحانی مزدور

فلسطین اشغالی ۱۹۷۹/۶/۳ - وفا
انقلابیون فلسطین یک رهبر روحانی مزدور بنام هاشم خازندار امام غزه را اعدام انقلابی کردند. وی همواره در برابر خواست مردم فلسطین و مسلمانها مقاومت کرده و با رژیم سادات همکاری میکرده و معاهده صلح آمریکائی - اسرائیلی را قبول داشته است.

خواست ژنرال شارون

فلسطین اشغالی ۱۹۷۹/۶/۲ - وفا
ژنرال شارون وزیر کشاورزی اسرائیل خواست در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده مستعمره‌نشینهای تازه‌ای ساخته شود. وی اظهار داشت از ۲۵ تا ۵۰ کیلومتر جدید در دره اردن ساخته میشود و شرکتهای نزدیک بیت‌المقدس را بهمدیگر وصل خواهند کرد تا بتوانند ۴۰۰ هزار یهودی را در خود جای دهند.

اجزای عتق پوسل پادگان

در روز شنبه اول خرداد ۵۸ ساعت ۸ صبح، خانواده‌های ارتشیان که بدست نیروهای انقلابی دستگیر و در زندان قصر بسر می‌برند، در جلوی پادگان جمعیتهای اجتماع نموده و با دادن شعارهای «ارتش به ما ملحق شو - برادرت اسیر است» و «ارتش به ما ملحق شو، برادرت را کشته، شروع به تحریر پوسل داخل پادگان را می‌کنند و خواستار انتقال زندانیان مذکور از قصر به پادگان جمعیتهای میشوند. فرمانده پادگان جمعیتهای سرتیب «رحیمی» نیز بدون جمعیت رفته و به آنها با بلندگو قول می‌دهد که زندانیان را به پادگان منتقل کند. مجموعه این اعمال مورد اعتراض پرسنل انقلابی داخل پادگان واقع شده و کلیه پرسنل (اعم از افسر و درجه‌دار و سربازان در داخل پادگان اقدام به تظاهرات کرده و با شعارهای «عمال شاه خائن اعدام باید گردند»، «دادگاه انقلابی مورد تأیید ماست» و «درود بر خمینی» و ... به بخشتن کردن توطئه می‌پردازند. این عمل نیز به توبه خود مورد اعتراض فرمانده پادگان واقع شده و ایشان اسر به دستگیری و اخراج ۶ تن از درجه‌داران زیر که منجر به ضرب و شتم ایشان نیز می‌شود می‌دهند.

۱ - استوار یکم روحانی دست ۲ - استوار یکم اعلایی ۳ - استوار یکم مشهدی ۴ - استوار دوم محمودی فراهانی ۵ - گروهانیکم میرزائی و نفر ششمی که به علت اینکه آخر وقت دستگیر شد از نامش اطلاعی نداریم. بر طبق نامه‌ها و مراجعات مختلف، همچنین به تأیید سروان حاج نظران مسئول اطلاعات حزب جمهوری اسلامی افراد مذکور را در جبهه داران مؤمن به انقلاب دانستند. ما از دولت و مقامات مربوطه قسراً خواستار رسیدگی به وضع درجه‌داران مذکور و اقدامات مربوطه در جهت اعاده حیثیت از آنان هستیم.

سالروز بانزده خرداد را گرامی

میداریم بنام خدا
سالروز بانزدهم خرداد را گرامی میداریم
روز بانزدهم خرداد، روز شهادت رزمندگان سربین نمرزندان خلق، روز خرویش و انسفجار - روز آغاز رستاخیز پرشکوه و واقعی ملت ایران، روز فیضیه و نقطه عطف همه جنبشهای تسویدی پس از سالها سکوت و اختناق را گرامی خواهیم داشت.
در این روز پرشکوه از یکسو امام خمینی رهبر سازش‌ناپذیر خلق فهومان، مسیر مبارزه آینده را تفهیم و مقدمات تشکیل توده‌ها را فراهم آوردند و از سوی دیگر رژیم فاسد و سرسپرده بیگانه در چنین روزی با کشتار وسیع ماهیت ضد مردمی خود را بر همگان آشکار نمود بدین ترتیب مبارزه ملت ایران پس از بانزدهم خرداد ابعاد و شکل جدیدی بسافت در چنین روزی آنگ که انقلاب پرخروش‌تر و توفنده‌تر گردید و نهال انقلاب با خون شهیدان آبیاری گردید.
برای بزرگداشت این روز بزرگ در شهرهای همدان - کرمانشاه - ایلام - سنندج - قصر شیرین - شیراز - اهواز - هفت‌تپه - سراسم و ویژه‌ای برگزار خواهد شد که برنامه آن جدا اعلام میگردد.
هوادران جنبش مسلمانان مبارز در غرب و جنوب کشور.

رد شدن درخواستهای یکی از مقامات نفتی وابسته بدولت از جانب امام

گفته میشود که یکی از مقامات نفتی وابسته بدولت در ملاقاتی با امام خمینی از ایشان درخواست نموده که امام اجازه استخدام ۳۰ مستشار خارجی [ظاهراً آمریکائی] را صادر و اعلامیه‌ای نیز جهت مسانعت از تعرض مردم کمیته‌ها نسبت به این مستشاران بدهند. امام خمینی اینچنانکه انتظار میرفت، قاطعانه این درخواست ضد مردمی را رد و متذکر میشوند کسانی را که مردم مسلمان و مبارز ایران با خون خود از سپهین رانده‌اند، دوباره بایران باز نگردانند.
مقام فوق درخواست دیگری مبنی بر دادن «امنیت و اطمینان و...» به سرمایه‌داران از امام میکند، که آن نیز بحق برآورده نمیشود.
امید آنکه اینگونه افراد که تا آخرین روزهای سقوط رژیم شاه از گرفتن هر نوع موضع قاطع ضد استبدادی - امپریالیستی خودداری می‌نمودند و مواضع قاطع و اصول و انقلابی امام ایشان را دچار بهت حیرت و... میساخت، همانگونه که امام در سخنرانی سه‌شنبه بانزده خرداد ۱۳۵۸ در مسجد فیضیه اشاره فرمودند، بقدرت توده‌های مستضعف ایمان آورند و در خدمت مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استعماری خلق مسلمان ایران به رهبری امام خمینی قرار گیرند.
درود بر رهبر انقلابی و سازش‌ناپذیر و مدافع و باور مستضعفین:
امام خمینی

روزنامه جمهوری اسلامی

با کمال مسرت روزنامه وزین «جمهوری اسلامی» ارگان حزب جمهوری اسلامی از صبح چهارشنبه ۹ خرداد ماه ۱۳۵۸ شروع پانتشار نمود.
نشریه هفتگی امت، موفقیت هر چه بیشتر خوهران و برادران تهیه کننده این روزنامه را در خدمت به انقلاب اسلامی و دفاع از دستاوردهای جنبش و آرمانهای مستضعفین خواستار است.

اعلامیه جنبش مسلمانان مبارز

بنام خدا
بانزدهم خرداد یادآور قیام خونین خلق فهومان ما علیه نهاجم استبداد و امپریالیسم است. روزی که جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی ملت ایران با تحولی کیفی و عظیم برحمله‌ای تازه گام نهاد قیام بانزده خرداد جواب دندان شکن خلق برهبری مرجع مجاهد امام خمینی به انقلاب امپریکائی شاه علیه مرده بود. قیام بانزده خرداد نقطه پایان مبارزات سیاسی و مسالمت‌آمیز و آغاز مرحله مبارزه فهوامیز و مسلحانه علیه رژیم استبدادی بود.
در این مرحله از تاریخ مبارزات خلق روحانیت مترقی و مبارز برهبری مرجع عالیقدر امام خمینی نقش تاریخی خود را در هدایت و بسیج خلق علیه استبداد و سلطه استعمار بر عهده گرفت از این تاریخ بعد مبارزه ملت ما ابعاد تازه‌ای یافت و اسلام اصیلی و انقلابی پایه مبارزه و جنبش توده قرار گرفت و ایدئولوژی اسلامی و جهان بینی توحیدی بنیان فکر و عقیده و مبارزه و عمل خلق و پیشاتازان مجاهد و مسلح آن علیه نظام شرک و طبقاتی حاکم شد.
قیام بانزده خرداد به عمر نهضت اصلاح طلبی پایان داد و جنبش خلق را وارد مرحله انقلاب مکتبی نمود مرجعیت مذهبی نقش تاریخی خود را به عنوان رهبر سیاسی و مذهبی مردم بدوش گرفت و خلق مستضعف ما یکپارچه در پشت سر رهبر سازش‌ناپذیر و مجاهد خود وارد یک مرحله تازه‌تر تاریخی خویش برای استقرار آزادی و قسط اسلامی گردید.
در روز بانزده خرداد ۴۲ درخیمان رژیم شاه و نوکران امپریالیسم آمریکا خون هزاران تن از فرزندان فهومان خلق مسلمان ما را بر زمین ریخته باین امید که آتش مبارزه و عصیان مردم را بکلی فرو نشاندند ولی غافل از اینکه از هر قطره خون شهیدان لاله سرخ خشم و نفرت و انقلاب سرخ خواهد روید و چنانکه سنت الهی بود کینه‌ها با عشق و ایمان پاک مردم درهم آمیخت و از پیوند آندو لاله‌های شهادت و جهاد سر بلند کرد. خلق یکدست سلاح ایمان و یکدست شهادت - جهاد مسلحانه و تاریخی خود را علیه طاغوت آغاز کرد و سرانجام پیروزی رساند.
ما ضمن بزرگداشت این روز تاریخی میناق خود را با خلق فهومان ایران و رهبر مجاهد و سازش‌ناپذیر آن امام خمینی تجدید کرده همیای همه مبارزان راستین و انقلابیین مسلمان در راه محو همه آثار سلطه امپریالیسم و نظام شرک طبقاتی و استقرار جامعه توحیدی به مبارزه خود ادامه خواهیم داد و در مراسمی که خلق مسلمان ما در این روز بر پا خواهند کرد شرکت خواهیم جست.

بقیه از صفحه ۱

... من تعجب می‌کنم که برادران خوژستانی ما چه مطلبی دارند، این چند روز نلفن‌هایی شد، روزنامه خواندم، اساساً نفهیمد جز اینکه بگویم توطئه است و مسلماً ما هست، آنهم در منطقه خوژستان، در منطقه نفت، در منطقه حساس سوق الجیشی و من سفارش و توصیه و پیام به برادران و خوهران و فرزندان فارس و عرب خوژستان اینست که خود اینها توطئه‌ها را خنثی کنند و نشان دهند که الان مسئله‌ای در بین نیست. ... باز من تکرار می‌کنم به برادران و خوهران خوژستانی که مطلب حقه خود را به دولت به رهبری، بما اطلاع دهند اگر آن قدری که در امکان شرایط و اوضاع فعلی بود کوتاهی کردیم، آنوقت شروع کنند به این مسایل، مگر چه کوتاهی دربارۀ آنها شده که دیگران مزیت پیدا کرده‌اند و امیدواریم با تشکیل شوراهای محلی و ارائه قانون اساسی و پیاده کردن قانون اساسی، راههای نفوذ بیگانه و اجنبی و دسیسه کارها و تباطی که امروز از انقلاب ما فریادشان بلند شده بسته شود.

لطفاً وجوه نشریات امت را به حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تحت طاووس روزولت واریز نمایید.

هفته‌نامه امت شماره ۸ چهارشنبه ۶ خرداد ۵۸ زین نظر: شورای نویسندگان امت آدرس جدید: خیابان چهارشمالی نش خیابان نامجو ۸۲۲۸۳۱ ۸۲۲۹۸۲ (انجمن دوشیزکان و بانوان سابق)

وحدت نیروهای انقلابی مسلمان ضامن پیروزی ماست